

ظهور عدل الهی (توقیع مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ م)

حضرت شوقی افندی

ترجمه شده. زبان اصلی انگلیسی



ظهور عدل الهی

(ترجمه)

احبّاء الله و امّاء الرحمن در سراسر امریکا و کانادا ملاحظه فرمایند: برادران و خواهران من در محبت جمال ابی،

هر دم که شواهد بی پایان قوای محرّکه ملهمه‌ای که آن پیشاهنگان غیور نظم جهانی حضرت بهاء الله را در سبیل اجراء وظائف محوّله‌شان به همت و مجاهدت برانگیخته است به خاطر آورم چنان وجد و سروری در دل و جانم موج زند که از عهده و صفش چنانکه باید برنیایم. قراردادی که اخیراً امنای منتخب آن جامعه امضاء نموده‌اند به منزله‌ی آغاز آخرین مرحله از مراحل بزرگترین اقدامی است که تا کنون پیروان امر الهی در مغرب زمین بر عهده گرفته‌اند. همچنین پیشرفت‌های امیدبخشی که متوالیاً در گزارش‌های لجنه تبلیغ منعکس شده همه بدون شک بر وفاداری و ثبات و پایداری و دقت و مواظبتی شهادت می‌دهد که آن یاران در اجراء خدمات متنوعی که مستلزم تکمیل نقشه هفت‌ساله است از خود ظاهر نموده‌اند و در دایره این هر دو خدمت حتی در جزئیات کار با نهایت نظم و ترتیب و دقت و کاردانی کامل و اجراء شایسته به تمثیت امور پرداخته‌اند.

همانند و همعنان با آن کاردانی و لیاقتی که نمایندگان جامعه بهائی امریکا در ماه‌های اخیر و در اقدامات اخیرشان از خود بروز داده‌اند، همانا وفاداری و حمایت‌های کریمانه و بی‌چون و چرائی است که افراد



TRANSLATION

جامعه بهائی در هر مرحله بحرانی و در هر مرحله از مراحل توسعه و پیشرفت‌هایش از خود ظاهر ساخته‌اند. ملاحظه فرمائید چنین همکاری و چنین همبستگی و پیوستگی و توافق و اتحاد و اتّفاقی که در میان دوائر تشکیلات بهائی موجود و سبب تقویّت حیات پویندهٔ بنیان هر جامعهٔ فعال بهائی است چقدر با تمایلات مخرب و غم‌انگیز عناصر متخاصم و مخالف جامعهٔ کنونی جهان تفاوت و تضاد دارد ولیکن هر امتحان و بلیّاتی که بنا به حکمت‌های بالغه الهیهٔ نصیب جامعه برگریده‌اش می‌گردد نتیجه‌اش جز این نیست که بار دیگر وحدت و همبستگی افراد جامعه بهائی را مشهوداً به اثبات رساند و قوّت و قدرت باطنیش را شدتی بیشتر بخشد اما بر عکس هر وقت بحرانی تازه در این عصر فاسد رو به زوال پدید آید بیش از پیش پوسیدگی و تأثیرات مخربش را در بنیان مؤسّسات منحط جامعه کنونی انسانی ظاهر و مبرهن می‌سازد.

لذا پیروان اسم اعظم شاکر و سپاسگزارند که حامی و حارسشان دست قدرت پروردگار است، و هر زمان که بدرقه جدید عنایتش برسد یا آنکه بلائی آسمانی نصیب اهل بهاء گردد در هر دو حال قلوبشان از جام امید سرشار و از جرأت و شجاعت آکنده شود و با عزمی جزم از یک طرف هر فرصتی را که گردش چرخ تقدیر در داخل امرالله درمقابلشان نهاد مغتم شمارند و از طرف دیگر از تشنّجات دردناک دنیای خارج که دیر یا زود نصیب کسانی که خود را از نور حقیقت محروم کرده‌اند گردد و به هلاکشان کشاند هرگز مضطرب و هراسان نگردند بلکه خود و نفوس مؤمنه‌ای که بعد از ایشان بر خدمت امرالله قیام خواهند کرد باید همچنان سمنند همّت بدوانند تا زمانی فرا رسد که جریان وقایع کنونی عالم نیرو و توانش فرو نشیند و هر یک از آن وقایع و حوادث سهم خود را در تولّد نظم بدیعی که جنبش حال در رحم عصری پراشوب و مبتلا به درد زایمان به جنبش افتاده است ایفاء نماید.

این بحران‌های مکرر و متواتر که در فواصلی ناهنجار و با نیروی مقاومت‌ناپذیر هر روز تعداد بیشتری از افراد بشر را فرا می‌گیرد هرچند موقت است ناچار، چنانکه امروز نفوذ محنت‌بار شومش در سراسر عالم گسترش یافته آن قدر ادامه خواهد یافت تا آنکه تأثیراتش را در جامعه انسانی تا حدّی معین بر جای گذارد. چگونه شروع اضطرابات جهان کنونی که نیروهای عنان گسیخته‌اش توازن اجتماعی و مذهبی و سیاسی و اقتصادی جامعه منظم بشری را برهم زده و نظام‌های سیاسی و مبادی تّزادی و مفاهیم اجتماعی و معیارهای فرهنگی و پیوندهای مذهبی و روابط تجارّیش را مشوّش ساخته و به هرج و مرج انداخته، چگونه می‌توان گفت که این همه آشفتگی و آشوب با این مقیاس وسیع و بی‌سابقه در مؤسّسات امر نوزاد الهی که تعالیمش تمام جوانب و فعّالیّت و رفتار مردم جهان را در بر می‌گیرد تأثیر و نفوذی نداشته باشد؟ پس تعجب نباید کرد اگر فشار قوای خانه‌برانداز کنونی در نفوسی که پرچم این

آئین جامع فراگیر، این امر مبارک عظیم را بلند افراشته‌اند تأثیر کرده باشد. تعجب نباید کرد که اهل بهاء ملاحظه نمایند که در ببحوحه این گرداب هائل آزادیشان محدود و تعالیشان تحقیر و مطرود گردد و بر مؤسّسات و تشکیلاتشان حمله شود و نیات و مقاصدشان در معرض تهمت و افتراء درآید و حقوق و اختیارانشان به مخاطره افتد و دعاویشان مردود گردد

در قلب قاره اروپا کشوری است که به فرموده حضرت عبدالبهاء بنا بر استعداد روحانی و موقعیت جغرافیائیش مقدر است که انوار درخشان امر الهی را به ممالک مجاوره بتاباند. این کشور در این زمان بر اثر سوء تفاهم شدیدی که رژیم حاکم نسبت به مقاصد و فعالیت‌های امرالله یافته است موانعی را بر جامعه بهائی تحمیل نموده که آنرا موقتاً به خسوف مبتلاء ساخته است چنانکه حال موقتاً ندایش خاموش و مؤسّساتش منحل و مطبوعاتش ممنوع و سوابق اداریش ضبط و جلساتش تعطیل گشته است.

در آسیای مرکزی در شهری که به این شرف و افتخار ممتاز گشته است که حضرت عبدالبهاء آنرا مقرّ اولین مشرق‌الاذکار جهان برگزیده‌اند و همچنین شهرها و قراء و قصبات دیگر آن ولایت که امر مظلوم حضرت بهاءالله در نتیجه نشاط و اقدامات فوق‌العاده‌ای که در چندین ده سال گذشته از خود ظاهر ساخته حال در پنجه حکومتی گرفتار گشته که از نفوذ و اشراق انوارش بیناک شده و در صدد است امر الهی را در آن صفحات به کلی ناتوان و معطل سازد و هر چند هنوز باب مشرق‌الاذکار برای عبادت بهائیان باز است اما ملکش مصادره شده و محافل روحانیّه و لجناتش ممنوع و تبلیغ و ترویجش متوقف و مروّجین سرشناسش به اخراج از کشور محکوم و بسیاری از پیروان ثابت قدمش از زن و مرد زندانی و مسجون گشته‌اند.

در مهد امرالله که در آن اکثر بهائیان ساکنند و پایتختش از قلم اعلی به «امّ‌العالم» ملقب و به «مطلع فرح‌العالمین» مخاطب گشته حکومتش که هنوز راسماً از سیطره فلج‌کننده علمای متعصب و مرتجع و بسیار فاسد مذهبی بیرون نیامده حال با کمال شدت به سر کوبی بهائیان یعنی پیروان امری مشغول است که یکصد سال است کوشیده ولی نتوانسته است قلع و قمعش نماید. چنین حکومتی از این حقیقت چشم بر بسته است که پیروان این امر محروم و مظلوم به حق در زمره منصف‌ترین و لایق‌ترین مردم آن کشورند که به وطن خویش عشق می‌ورزند، اما چون عالم را نیز یک وطن می‌شمارند چنان حکومتی که طرفدار ملیت‌پرستی مفرط و محدود است هرگز قدر این مفهوم را نمی‌داند و از این روی بهائیان را که دامنه نفوذ روحانشان در ایران به بیش از ششصد جامعه محلی بسط یافته و تعدادشان بسیار بیشتر از یهودیان و مسیحیان و زردشتیان آن کشور است از اعطاء حقوق قضائی و تنفیذ قوانین دینشان و اداره

امورشان و برگزاری اعیادشان و نشر مطبوعاتشان و اجراء شعائرشان و ارتفاع ابنیه مخصوصه و اداره مدارس و حفظ موقوفاتشان بکلی منع کرده است.

و نیز در این ایام در ارض اقدس که قلب و مرکز اعصاب آئین جهان آرای بهائی است شعله خصومت های نژادی و برادرکشی و تروریسم شدیداً زبانه کشیده و چنان آتشی افروخته است که هم زیارت زائران بهائی را که بمنزله دَوران خون در مرکز جهانی است متوقف ساخته و هم در اجرای طرح هایی که برای حفظ و اتساع مناطق حول و حوش اماکن مقدسه آغاز شده وقفه ای ایجاد نموده است. امنیت جمع قلیل بهائیان محلی که مواجه با امواج روزافزون آشوب و طغیانند به خطر افتاده مقامشان به عنوان جامعه ای بی طرف و شاخص از نظر دور شده و آزادیشان در انعقاد بعضی از احتفالاتشان محدود گشته است. تواتر قتل های دوجانبه ناشی از تعصبات نژادی و دینی که دامن روساء و نیز پیروان سه دین عمده این کشور آشوب زده را فرا گرفته چنان است که قطع ارتباطات عادی را در داخل و خارج کشور تهدید می کند. با وجود وخامت اوضاع در این کشور اماکن مقدسه بهائی مقصد و مرکز توجه بهائیان جهان و با وجود تعدادشان و عدم حراست ظاهریشان بنحوی معجزه آسا محفوظ و مصون مانده است.

جهانی که امروز دچار هیجان ها و کشمکش های متضاد گشته و از داخل به صورت خطرناکی در شرف تجزیه و فرو ریختن است در چنین مرحله بحرانی تاریخش با آئین نوزادی مواجه گشته است. آئینی که گاه به نظر می رسد که در گیر و دار مجادلات و مناقشات این جهان گرفتار گشته و در کشاکش مخاصماتش افتاده و در سایه های تاریکش از جلوه اش کاسته و در تلاطم امواج اختلافاتش غوطه ور شده است. مثلاً در قلب و مرکز جهانی و در مهد امرالله و در مقر اولین معبد عظیم الشان بهائی و در یکی از پر رونق ترین جوامعش که بالقوه بسیار نیرومند می توانست باشد در همه اینها در مقابل هجوم قوای شدید متخاصم که بشریت را مرتباً قربانی خود ساخته به نظر می رسد که آئین حضرت بهاء الله که هنوز از پنجه ظلم و ستم رهائی نیافته به عقب رانده شده است و به گمان چنین می رسد که هر روز قلاع مستحکم چنین آئین متینی یکی پس از دیگری محاصره شده و به تصرف قوای مهاجم در آمده است و چون نور آزادی فرو نشیند و خاموش شود و غوغای مخاصمات هر روز بلندتر گردد و آتش تعصب با شدتی بیشتر در سینه مردمان شعله زند و یخبندان لامذهبی سخت روح مردمان را منجمد سازد، به نظر می رسد که تمام اینها تا حدّ معینی در اعضاء و جوارح هیکل امرالله نیز تأثیر کرده و نفوذ خانه براندازش که تمام جهان متمدن را قبضه کرده در جامعه بهائی نیز مشهود افتاده است.

اما این بیان مؤثر حضرت عبدالبهاء چقدر به وضوح نمایانگر این ایام است که می‌فرماید: «ظلمت ضلالت است که شرق و غرب را احاطه نموده است و با نور هدایت در این کور عظمت در جنگ و ستیز است و سهم و سناش بسی تند و تیز و لشگرش بسیار خونریز.» و در مقام دیگر می‌فرماید: «الیوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجه تشبیت انجن رحمان و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح.»

حصن حصین مهمی که باقی مانده و بازوی توانائی که پرچم امر شکست‌ناپذیر الهی را برافراشته همانا جامعه پیروان اسم اعظم در قاره امریکای شمالی است. اعضاء برازنده آن جامعه که با اقدامات خویش و با حفظ و حراست حضرت احدیت عضوی ممتاز در هیكل جوامع مرتبطه بهائی در شرق و غرب عالم است بحق در خور آنند که کشورشان مهد نظم جدید جهانی و نیز حصن حصین آن نظم بشمار آید نظمی که هم موعود و هم مظهر جلال و عظمت دور حضرت بهاءالله است.

هر کس که بخواهد مقام بلند یگائی را که به جامعه بهائی امریکا اعطاء گشته کم بشمرد یا در نقش مهمی که در آینده ایام ایفا خواهد کرد شک و تردید نماید خوب است در این کلمات بارور و روشنگر حضرت عبدالبهاء تأمل نماید که در وقتی که ناله جهان زیر بار سنگین جنگی مهلک به عنان آسمان رسیده بود خطاب به آن جامعه بیان فرموده است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.»

جامعه بهائی امریکای شمالی که هم محرک اصلی و هم نمونه و الگوی جامعه‌های آینده است که باید در سراسر نیمکره غربی در ظل امر حضرت بهاءالله بوجود آید، اینک، با وجود ظلمتی که همه جا را فرا گرفته است استعداد و قابلیت خود را نشان داده و ثابت کرده است که مشعلدار انوار است و مخزن اسرار و «کشور اسرار» و حصن حصین آزادگان و «احرار». اگر آن کلمات مبارک که مذکور شد به عصر ذهبی آئین حضرت بهاءالله دلالت نداشته باشد دیگر به چه چیز اشارت دارد؟ اگر بیان «ظهور اسرار» مربوط به اسرار مستوره در جنین نظم جهانی نباشد که حال در رحم تشکیلات اداری بهائی پرورش می‌یابد دیگر به چه امری دلالت دارد؟ اگر مقصود از کشور ابرار کمالات حاکم بر عصر ذهبی در ظل نظم بهائی نباشد دیگر چه معنائی از آن می‌توان دریافت؟ اگر از ذکر حریت و آزادی مقصود آزادی حقیقی نباشد که در ظل سلطنت الهی در زمان مقرر مقدر به وجود آید دیگر به چه امری اطلاق تواند شد؟

جامعه مروّجان متشکل امر حضرت بهاءالله در قاره امریکا یعنی اخلاف و اعقاب روحانی مطالع انوار در عصر رسولی که با نثار جان ظهور امر یزدان را تثبیت و اعلان نمودند نیز باید به نوبه خود نظم موعود جهانی را نه از راه شهادت بلکه با فداکاری‌های شهیدانی زنده در عالم امکان اعلان نمایند. نظمی که یگانه موجد و آفریننده‌اش امر الهی است و به منزله صدفی است که گوهر گرانبهای مدنیّت جهانی را در آغوش خویش پرورش می‌دهد. در زمانی که دیگر جامعه‌های بهائی عالم از جمیع جهات به هجوم تندبادهای شدید مبتلا گشته جامعه بهائی امریکا که به حکم تقدیر حیّ قدیر محفوظ و مصون مانده و از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء جان و توان یافته است حال مشغول پی نهادن مؤسّساتی است که بشیر و طلیعه عصری خواهد بود که شاهد تولّد و ارتفاع نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسیط جهان است.

جامعه امریکا که هم از حیث تعداد افراد نسبتاً قلیل و هم از مرکز و قلب امر الهی و هم از مهد امرالله موطن اکثریّت قاطع هم کیشانشان بسیار دوراست و از منابع لازم مادی محروم و از تجربه و اشتباه بی‌بهره و از ایمان و عقاید و شیم و عادات نفوسی که امرالله را به آنان ابلاغ کرده بی‌خبر و از زبان‌های اصلی کتب مقدّس خویش بی‌اطلاع و اجباراً بر ترجمه‌های ناقص از معدودی از آیات مشتمل بر احکام و تعالیم و تاریخ متکی، جامعه‌ای که از بدایت صباوتش به امتحانات شدید از جمله به نقض و فتور بعضی از اعضاء متقدّمش دچار و از اوان تولّدش هر روز با قوای فساد و انحراف اخلاق و تعصّبات شدید مواجه و مقابل چنین جامعه‌ای بدون کمترین معاضدت و امداد جامعه‌های دیگر شرق و غرب جهان در کمتر از نیم قرن به امدادات ملکوتی آسمانی که حضرت عبدالبهاء به جوهر محبت به آن تفویض فرموده است موفق شد که چنان محرّک پیشرفت و تقدّم امر الهی گردد که تمام جامعه‌های بهائی دیگر مغرب زمین مجموعاً از رقابت و همسریش عاجز و ناتوان مشاهده شوند.

کدام جامعه دیگری را می‌توان یافت که طرح مؤسّسات اداری امرالله یعنی پیشاهنگ نظم جهانی حضرت بهاءالله را ارائه داده و نبضش را به طپش آورده باشد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که به انسجام و پایداری کامل بتواند چنان لیاقت و انضباط و عزم جزم و همت و استقامت و وفاداری و جانفشانی را از خود ظاهر سازد که کلّ از ضروریات بنا و توسعه دائمی بنیانی است که در آن مؤسّسات نوزاد امرالله باید نشو و نما و رشد نماید؟ کدام جامعه توانسته است اثبات نماید که بر چنان بینش روشن و به چنان ادراک بلندی از فداکاری و اتّحاد و اتّفاق رسیده باشد تا بتواند در سال‌های بحرانی کنونی در مدّت کوتاهی بنای شاخی را مرتفع سازد که به حقّ بزرگترین هدیه‌ای است که جهان غرب تا به حال به امر حضرت بهاءالله تقدیم کرده است، کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که

حقاً بتواند ادعا نماید که با مساعی جمیله فقط یکی از افراد منقطع فروتنش بی‌ظہیر و معین بتواند یکی از افراد خاندان سلطنت را در ظلّ امرالله درآورد و او را به نوشتن بیانیه‌ای در شہادت بر حقانیت امرالله برانگیزد، کدام جامعہ‌ای را می‌توان یافت کہ با پیش‌بینی و قابلیت و شور و شوق مدارسی را در سراسر کشور خویش تأسیس کرده باشد کہ در آیندہ ایام بہ مراکز فعال و سودمند آموزشی بہائی تبدیل گشته زمین حاصلخیزی را برای مہیا ساختن مبلّغین و مربّیان جدید جہت تقویّت نیروهای تبلیغی بوجود آورد؟ کدام جامعہ‌ای را می‌توان یافت کہ توانستہ باشد مہاجرینی را با کمالات لازمہ و ملکات فاضلہ از قبیل شجاعت و انقطاع و استقامت و انجذاب و از خود گذشتگی برانگیزد کہ ترک خانہ و خانمان نمایند و با انقطاع تام در بسیط زمین پراکنده شوند و پرچم حضرت بہاءالله را در اقصی نقاط جہان برافرازند؟ چہ کسانی را جز افراد آن جامعہ مبارکہ می‌توان یافت کہ بہ این امتیاز و نخر عظیم نائل شدہ باشند کہ اول بار ندای یا بہاء الابهی را بہ مراکز و مناطق مہمّ عالم چون نقاط تحت دو امپراطوری انگلیس و فرانسه، آلمان، خاور دور، ممالک بالکان، کشورهای اسکاندیناوی، امریکای لاتین، جزائر اقیانوسیہ، آفریقای جنوبی، استرالیا، نیوزیلند و اخیراً بہ ممالک بالتیک برسانند و امرالله را در آن مناطق تمکّن بخشند؟ چہ کسانی را جز همان مہاجران غیور می‌توان یافت کہ برای ترجمہ و طبع کتاب بہ چہل زبان از لغات عالم و دیگر آثار مقدّسہ مبارکہ کہ انتشارش شرط اساسی جمیع خدمات منظمّ تبلیغی است ہر نوع مشقّتی را بہ جان تجمل نمایند و با تبرّعات کریمانہ مالی وسائل انتشارشان را فراہم کنند. کدام جامعہ را می‌توان یافت کہ در توسعہ و حفظ حول و حوش مقامات مقدّسہ بہائی و ابتیاع اراضی لازم برای تأسیس معاهد بین‌المللی در مرکز جہانی چنان سهمی عظیمی داشتہ باشند؟ کدام جامعہ را می‌توان یافت کہ چنین نخر و شرفی یافته باشد کہ اولین جامعہ‌ای باشد کہ اساسنامہ محفل ملیّ و محلّی خویش را تدوین کردہ و اصول دو منشور لازم را جہت تنظیم خدمات و تعیین اقدامات و حفظ حقوق آن مؤسّسات تدوین کردہ باشد؟ کدام جامعہ‌ای را می‌توان یافت کہ بہ تأسیس موقوفات ملیّ و تسجیل رسمی آنها موفق گشتہ و راہ را برای ایجاد موقوفات محلّی ہموار کردہ باشد. کدام جامعہ‌ای را می‌توان یافت کہ بہ این امتیاز ممتاز شدہ باشد کہ قبل از آنکہ بہ فکر جامعہ‌های دیگر خطور نماید موفق شدہ باشد کہ اسناد شناسائی رسمی محافل روحانی و موقوفاتش را از حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی بہ دست آوردہ باشد؟ بالاخرہ چہ جامعہ دیگری را می‌توان یافت کہ برحمایت از نیازمندان و دفاع از ستمدیدگان و بذل مساعی در حفظ ابنیہ و مؤسّسات بہائی در کشورهای ایران و مصر و عراق و آلمان کہ بہائیان ہر از چندی مورد تضییقات دینی و فشارهای نژادی واقع می‌شوند توانائی و وسائل لازم را در اختیار داشتہ باشد؟

چنین کارنامه بی نظیر و درخشانی که یاران امریکا در خدمات بیست ساله گذشته بهم رسانده اند و با مصالح و سرنوشت جمع زیادی از بهائیان عالم بهم آمیخته شایسته است که خود فصلی درخشان و فراموش ناشدنی در تاریخ عصر تکوین به شمار آید. این سوابق که مزید بر موفقیت های گذشته گشته خود شاهد صادقی است بر اینکه یاران امریکا استعداد و لیاقت آن را دارند که بتوانند مسئولیت هائی را که در آینده بر دوششان نهاده خواهد شد چنانکه باید و شاید ایفاء نمایند و محال است اهمیت اینهمه خدمات متنوع را نادیده گرفت یا ارزش روزافزون نتایج حاصله اش را به درستی تخمین زد و این کار فقط از عهده مورخین آینده بهائی ساخته است اما آنچه حال در این اوراق نگاشته می شود بیان ثقه و اطمینان است در اینکه جامعه ای که قادر باشد چنان خدماتی و چنان روحی را از خود ظاهر و نمایان سازد و به چنین مقام بلندی برسد البته استعداد آن را دارد که در آینده در وقت مقرر ثابت نماید که حقاً مهمتترین سازنده و قهرمان نظم جهانی حضرت بهاء الله محسوب گردد.

این خدمات عالیه از بعضی از جهات یادآور جانفشانی های عظیم مطالع انوار در عصر رسولی است که سبب اعلان و ارتقاع ندای امرالله گردید اما هنوز بسیار مانده است که تا مسئولیت هائی که مختص جامعه ممتاز بهائی امریکا است به اوج خود برسد و آنچه امروز هست فقط آغاز ایفای آنها است. موفقیتی که یاران امریکا به مدت پنجاه سال بدست آورده اند نسبت به عظمت خدمات و اقداماتی که در پیش دارند بسیار ناچیز است. امروز غرّش رعدآسای آشوب های خانمان برانداز که همه جا را فرا گرفته در عین حال هم منادی سكرات موت نظمی کهنه و فرسوده و هم درد زایمان نظمی جدید است و نشان می دهد که وقایع جسم آینده به چه سرعتی در شرف تکوین است و ماهیت خدماتی که بر عهده یاران امریکا است به چه مقدار حیرت انگیز است.

استقرار بالقوه نظم اداری بهائی و طرح قالبش و تکوین ابزار و وسائش و تحکیم مؤسسات تابعه اش اولین وظیفه ای بود که طبق الواح وصایا و به امر حضرت عبدالبهاء بر ذمه یاران امریکا قرار گرفت که آن را با سرعت عمل و وفاداری و قدرت حیرت انگیزی به مرحله عمل رسانیدند و چون دوائر و شعب متنوع لازم نظم اداری را فراهم آوردند، بلافاصله با همان حرارت و شور و انجذاب قیام بر اجراء خدمت مشکل و مهم دیگری نمودند. آن بنای نمای خارجی بنای شاخنی بود که حجر زاویه اش را نفس مقدس حضرت عبدالبهاء به دست مبارک خویش در بنیاد آن بنیان رفیع قرار داد و پس از اجراء آن وظیفه مهم جامعه امریکا در اطاعت از هدایات و نصایح و بشارات نازله در الواح نقشه ملکوتی مصمم بر اجراء وظیفه دیگری گشتند که از حیث وسعت و شدت قوای روحانیش یقیناً جمیع توفیقات پیشین را تحت الشعاع قرار خواهد داد یعنی نقشه هفت ساله را که اولین قدم عملی در سبیل تنفیذ و تحقق

رسالتی است که آن الواح مقدسه ملکوتی تاریخ‌آفرین بر ایشان مقرر ساخته طرح کرده با روحی جدید و عزمی شدید بر اجرائش چون دو وظیفه دیگرشان قیام نمودند و امید است که خاتمه نقشه هفت‌ساله با جشن‌های قرن ولادت امر مقدس حضرت بهاء‌الله مقارن گردد. جامعه بهائی امریکا به خوبی واقف و آگاه است که اتمام تزئینات خارجی مشرق‌الاذکار در ترقی و تقدّم مجهودات تبلیغیشان در امریکای شمالی و جنوبی تأثیر مستقیم می‌گذارد و نیز می‌دانند که هر فتح و ظفری که در میدان تبلیغ حاصل شود به نوبه خود سبب تسریع عملیات اتمام مشرق‌الاذکار خواهد شد لهذا با ایمان و شجاعت و اطمینان اجراء و وظائفشان را در ظلّ نقشه وجهه همت خویش قرار داده در تنفیذش به دل و جان کوشا هستند.

اما هرگز نباید تصوّر نمایند که وظائفی را که ید قدرت پروردگار بر دوششان نهاده با اجراء نقشه هفت‌ساله که با خاتمه اولین قرن مقارن است پایان پذیرد زیرا آغاز قرن دوم بهائی باید چشم‌انداز بزرگتری و صحنه‌های دیگری را در پیش نظر مجسم سازد و شاهد شروع نقشه‌های دیگری باشد که به مراتب از آنچه تا به حال داشته‌اند مؤثرتر و وسیع‌تر است و اگر قرار باشد وظائف و مسئولیت‌هایی که طراح نقشه ملکوتی به آنان واگذار فرموده با افتخار و کمال به مرحله اجراء درآید آن وقت نقشه‌ای را که اینک مطمح نظر و کانون آمال و مرکز منابع همه یاران امریکا است نباید چیزی جز این تصوّر کرد که فقط نقطه شروع و محک قوت و قدم اول جهاد روحانی عظیمی است که دامنه‌اش بسی گسترده‌تر است.

زیرا هدف نقشه هفت‌ساله کنونی چیزی جز این نیست که لااقل در هر یک از جمهوریات نیکرّه جنوبی اقلایک مرکز بهائی تأسیس شود حال آنکه وظائفی را که نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء تعیین نموده خواهان انتشاری بس وسیع‌تر و تشنّت و مهاجرت عده‌ای بیشتر از احباء امریکای شمالی در سراسر قاره امریکا است پس شکی نیست که رسالتشان آن است که پیروزی‌های درخشانی را که در خاتمه قرن اول بهائی به دست آورده‌اند در قرن دوم بهائی ادامه دهند یاران امریکا نمی‌توانند خود را قانع سازند که چنانکه باید وظائف فوری و حتمی خود را طبق نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء به مرحله اجراء رسانده‌اند مگر آنکه بکوشند احباء نقاط مهجور و مراکز جدیدالتأسیس را چنان راهنمایی کرده باشند که آن مقبلین نورسیده مستعد گشته و بتوانند مستقلاً به اداره مؤسّسات ملی و محلی خویش پردازند.

و نیز نباید آنی تصوّر نمایند که با اتمام نقشه هفت‌ساله و تحقق اهدافش یعنی مضاعفه مراکز بهائی و معاضدت لازم برای تأسیس نظم اداری بهائی در کشورهای امریکای لاتین طرح اعطائی حضرت عبدالبهاء را به تمام و کمال اجراء کرده‌اند زیرا حتی مطالعه سطحی نارسائی از الواح نقشه ملکوتیش

نمیان می‌سازد که دایرهٔ خدمات مخصوصه‌شان از مرزهای نیمکره غربی بسی فراتر می‌رود و اینک که وظائف و مسئولیت‌شان را عملاً در قارهٔ امریکا ایفاء کرده‌اند باید به درخشانترین و مهم‌ترین مرحلهٔ اجرائاتشان قدم گذارند و مصداق این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء گردند که «این نداء الهی چون از خطهٔ امریک به اروپ و آسیا و آفریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیهٔ جلوس نمایند.»

کسی چه می‌داند که حتی پس از انجام چنان وظائف خطیره‌ای باز چه رسالت بی‌نظیر دیگری درخشنده‌تر و اعلی و اعظم از پیش به تقدیر حضرت بهاء‌الله به یاران امریکا محوّل خواهد شد؟ عظمت و جلال چنان رسالتی چنان درخشنده و تابان است و اوضاع و احوالش چنان دور از دسترس ما است و تار و پود حوادث این عصر که با آن رسالت بهم بافته است چنان متغیر و متلون که در حال حاضر توصیف مشخصات و ماهیتش برون از حیطه تصور ما است همین‌قدر می‌توان گفت که در ببحوحهٔ بلایا و هرج و مرج‌ها و آشوب‌های «آخر الزمان» فرصت‌هایی پدیدار و اوضاع و احوالی خلق خواهد شد که آن مجریان پیروزمند نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء را با سهمی که در استقرار نظم جدید جهانی به عهده خواهند گرفت قادر بل ناچار خواهد ساخت تا در سبیل عبودیت آستان حضرت بهاء‌الله تاج و هاج جدیدی بر سر خویش گذارند.

و نیز نباید از خاطر دور داشت که مجال‌ها و فرصت‌های متنوع بدیع دیگری که ناگزیر در سیر تکامل امرالله چه در مرکز جهانیش و چه در قارهٔ امریکای شمالی حتی در اقصی نقاط بسیط زمین به دست خواهد آمد باردیگر یاران امریکا را دعوت خواهد کرد که در تبلیغ و اشاعهٔ امر حضرت بهاء‌الله به خدماتی بیشتر و نمایان‌تر از آنچه قبلاً مجتمعاً مبذول داشته‌اند قیام نمایند در این مقام فقط می‌توان به بعضی از اهم آن مجال‌های آینده مبادرت ورزید: انتخاب بیت‌العدل اعظم و استقرار مرکز روحانی و اداری و جهانی امرالله در ارض اقدس همراه با ایجاد شعبات و مؤسّسات تابعه‌اش، تأسیس تدریجی توابع اولین مشرق‌الاذکار مغرب زمین و پرداختن به امور معضله دقیقه مربوط به حیات جامعه بهائی، تدوین و ترویج احکام و قوانین کتاب مستطاب اقدس که لازمه تشکیل و رسمیت محکمه شرعیّه بهائی در بعضی از کشورهای شرق است، بنای سومین مشرق‌الاذکار عالم بهائی در حومهٔ طهران و بعد از آن در ارض اقدس، استخلاص جامعه بهائی از قید تعصبات دینی در بعضی از ممالک اسلامی مانند ایران و عراق و مصر، سپس شناسائی رسمی محافل محلی و ملی از طرف اولیاء امور آن ممالک به عنوان مؤسّسات دینی مستقل، تمهید اقدامات و موازین لازم احتیاطی و هماهنگ برای دفاع از حملات و تعرضات حتمی و متشکلی که دستگاه روحانیون از مذاهب مختلفه با شدتی روزافزون برضد امرالله

شروع و بی‌رحمانه ادامه خواهند داد. مهم‌تر از همه آن که یاران امریکا در آینده با امور بی‌شماری مواجه گردند که باید با آنها مقابله نمایند تا امر مبارک مراحل باقیه را طی نماید. «دورهء مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعهء اهل بهاست و مرحله ثانیة مظلومیت و مقهوریت هر دو منقضی گردد دوره ثالث که مرحله انفصال شریعةالله از ادیان عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبه اهل بهاء و مساوات پیروان جمال اِبهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال مّمهد سبیل از برای رسمیت آئین الهی (و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت به مرور ایّام مبدّل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمینیّه شارع این امر عظیم گردد. و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوۀ سیطرهء محیطهء ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است) منتهی گردد.»

اطمینان واثق دارم که یاران امریکا در مقابله با چنان فرصت‌هایی و نیز در اجابت دعوت حضرت عبداله‌بهاء در الواح تبلیغی ملکوتیش بی‌درنگ با جرأت و شهامت و استقامت مخصوص ذاتیشان قیامی مردانه خواهند کرد تا به جهانیان اثبات نمایند که فی‌الحقیقه لایق این خطابند که به عنوان بانیان قهرمان اعظم مؤسسات امر حضرت بهاء‌الله ملقب و مخاطب شده باشند.

ای یاران ارجمند و محبوب هر چند وظائف محوّله به شما بسی سنگین و خطیر است ولی اجر و ثوابی که از خزانه غیب الهی به آن عزیزان ارزانی گشته چنان پر بها است که زبان و بنان از توصیف و تقدیرش چنانکه باید بر نیاید و هر چند مقصدی که با کمال همت و مجاهدت در پیش دارید بعیدالحصول و بغایت دور و از دیدگان بشر مستور است اما بشارتش به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاء‌الله مندج و مسطور و هرچند مسیری که جمال کبریا برای آن یاران با وفا برگزیده احياناً در سایه تیره و تاری که عالم انسانی را فرا گرفته محو و ناپیدا است ولی انوار هدایتی که پیوسته بر آن عزیزان پرتو افکنده چنان روشن و درخشنده است که ظلمات حائله این جهان تابش و سطوعش را سدّ نتواند. و هرچند تعدادتان قلیل و تجارب و امکانات و منابعتان بس محدود اما قوت ملکوتی که در هویت رسالتتان مکنون است بغایت شدید و از حیث وسعت و قدرت بی‌شمار و نامحدود. و هر چند دشمنان عنود در هر زمان که در اجراء وظائف مخصوصتان توفیق حاصل گردد با لشگری جرّار بی‌رحمانه و با عزمی جزم بر شما هجوم شدید نمایند ولی چنانکه موعود است جنود غیبی ملاء‌اعلی آن سالکان سبیل استقامت و وفاء را امداد فرماید و بر اضمحلال قوای دشمنان پرکین پیروز سازد و به یأس و خسرانشان

اندازد. و هر چند در مواهب و عطیائی که در وصول به کمال رسالتان شامل حال گردد شک و تردیدی نیست و تحقق وعود و بشاراتی که برای آن عزیزان مقدر گشته محتوم ولی اجر جزیلی که نصیب هر یک از افراد شما می گردد مطابق و وابسته با مقدار خدمت و همتی است که هر یک در سبیل توسعه رسالت محوله و تسریع پیروزش مبذول می دارید.

ای دوستان عزیز هر چند که محبت و تجید و تقدیر من از آن یاران با وفا بسی شدید است و کاملاً معتقد بل مطمئنم که آن عزیزان در آینده در خدمات و مجاهدت های قاره ای و بین المللی سهم عظیم خویش را ایفاء خواهند نمود باز بر خود واجب می دانم که در این مقطع از زمان به بیان اندازات لازم مبادرت ورزم و اظهار دارم که باوجود تقدیر و تجید و ستایشی که به کرات حقاً نصیب افراد و جامعه زنده و پوینده بهائیان امریکا شده و بارها از لیاقت و روح نباض و اعمال و مقام رفیعشان تحسین گشته است به هیچ وجه نباید آنها را با حالات و صفات و طبایع مردم آن کشور که بهائیان به فضل الهی از میانشان برخاسته اند اشتباه نمود باید صریحاً و قطعاً بدون هیچ ملاحظه و هراسی اذعان کنیم که بین جامعه بهائیان امریک و مردم آن کشور تفاوت شاخصی موجود است و اگر به چنین تفاوتی قائل گردیم ایمان خویش را به قوه نافذة خلاقه امر حضرت بهاءالله اثبات نموده ایم که در حیات و موازین اخلاقی پیروانش چنان نفوذ و تأثیر نموده که آنان را به کلی دگرگون و از اقران ممتاز ساخته است و بر عکس اگر چنین نیندیشیم این اصل اصیل را که اعظم و ابهی ثمره ظهور حضرت بهاءالله ایجاد خلق جدیدی از انسان است به کلی منکر شده و از جلوه بازداشته ایم.

پیوسته پیغمبران خدا از جمله حضرت بهاءالله در کشورهای مبعوث گشته و پیام الهی را در زمانی و به مردمی ابلاغ کرده اند که یا در سرایش انحطاط و یا در اسفل درجات فساد اخلاقی و ضلالت روحانی بوده اند چنانکه بدبختی محنت بار و ذلتی که قوم اسرائیل قبل از خروجشان از خاک مصر به قیادت حضرت موسی در زمان حکومت ظالم و خفت انگیز فراعنه داشته اند. انحطاطی که در حیات دینی و روحانی و فرهنگی و اخلاقی یهودیان در زمان ظهور حضرت مسیح مشهود بود مظالم وحشیانه و بت پرستی فاحش و فساد اخلاقی که قرن ها از خصائص بارز و شرم آور قبائل عربستان بود و حضرت محمد در میان چنان مردمانی به رسالت مبعوث شد تنزل و تدنی توصیف ناپذیر همراه با فساد و آشفتگی و تعصبات جاهلیه و ظلم و ستمی که مقارن ظهور حضرت بهاءالله جمیع شئون دینی و عرفی کشور ایران را احاطه کرده بود و تعصباتی را که بسیاری از محققین و دیپلمات ها و سیاحان در آثار خویش دقیقاً تصویر کرده اند کل شاهد و گواه آن مقال است و الا اگر چنین تصور شود که استحقاق ذاتی و سجایای عالیه اخلاقی و شایستگی سیاسی و کمالات اجتماعی هر یک از آن ملت ها علت ظهور مظاهر الهی در میانشان

بوده است چنین عقیده ای کاملاً مغایر و مخالف حقایق تاریخی و به منزله انکار تبینات و بیانات مؤکده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در این موضوع است.

فی الحقیقه نفسی که از آن اقوام و ملل دعوت چنان پیغمبران عظامی را اجابت نموده اند چه مجاهدت دشواری داشته که توانسته اند بی درنگ از هر شک و تردیدی بگذرند و به معرفت حق نائل شوند و با شجاعت به این حقیقت مسلم شهادت دهند که هرگز به علت تفوق نژادی و قابلیت سیاسی و یا فضائل روحانی نبوده است که پیغمبران الهی در میان آن اقوام مبعوث گشته اند بلکه بر عکس به واسطه احتیاج شدید و انحطاط و تدنی اسف انگیز و انحرافات علاج ناپذیر بوده است که مظاهر الهی در میانشان ظاهر شده تا با ظهورشان حیات و رفتار و سلوک نوع بشر را به مرتبه ای اشرف و اعلی ارتقاء بخشند. زیرا قطعاً از اول لا اول چنین بوده است که پیغمبران بزرگ تحت چنان اوضاع و احوالی خواسته اند و قادر گشته و اثبات نموده اند که چه قدرت حیات بخشی در ظهورشان نهفته بوده است که توانسته اند قوم و ملت خویش را از قعر مذلت و پستی برهاند و چنان نیرومندشان سازند تا بتوانند به نوبه خود عطیه ایمان و نفوذ حیات بخش آئین الهی را به اقوام و ملل دیگر منتقل سازند.

در پرتو چنین اصل مسلمی همواره باید بخاطر داشت و تأکید نمود که نخستین علتی که حضرت باب و حضرت بهاءالله در ایران مبعوث گشته و آنجا را مخزن و منبع ظهور خویش قرار داده اند این است که مردم و ملت ایران به شهادت مکرر حضرت عبدالبهاء چنان در حسیض انحطاط فرورفته و در فساد و تباهی غوطه ور گشته بود که در جهان متمدن آن روزگار شبه و نظیری نداشت و برای اثبات قوه خلافت نافذ ظهور حضرت باب و حضرت بهاءالله هیچ برهانی اعظم از این نیست که تحت تربیت آن دو مظهر الهی چگونه مردم بسیار متأخر و جبان و فاسد ایران به قهرمانانی تبدیل شدند که توانستند تحول و انقلاب عظیمی را در حیات عالم انسانی برانگیزند. در صورتی که اگر در میان نژاد و ملتی ظاهر می شدند که به واسطه ترقیات عالی و ارزش فطریشان مستحق چنان امتیاز عظیمی می شدند که امر الهی از میانشان طلوع نماید دیگر تأثیراتش در نظر مردم بی ایمان این زمانه کاسته می شد و قوه عظیم و متکی بذاتش از انظار پوشیده می ماند صفحات تاریخ نبیل به وضوح تمام نمایان می سازد که بین حالت شجاعت و شهامت و اعمال قهرمانان مطالع الانوار با پستی و دنائت و جبن و شناخت دشمنانشان که به اذیت و آزار و افترا و انکارشان می پرداختند چقدر تفاوت وجود دارد و این امر بنفسه شاهد صادق است بر حقایق پیام ذات مقدسی که چنان آتشی را در دل و جان پیروانش روشن کرده است پس اگر هر بهائی ایرانی بپندارد که برتری و تفوق کشورش و نجات ذاتی مردمش بوده که آنان را اولین

مخاطبین پیام آسمانی حضرت باب و حضرت بهاءالله ساخته به خطا رفته است و طبق شواهد متقنه همان تاریخ رأی او به کلی باطل و مردود است.

این اصل مسلم تا حدّ معینی در کشوری مصداق یافته که بالاستحقاق به عنوان مهد نظم جهانی حضرت بهاءالله شناخته شده است. خدمات عظیم و سهم والائی که بهائیان امریکا در این سبیل داشته‌اند به هیچ وجه از نقشی که نفوس مقدّسه جاویدانی که در ایران با انقطاع و جانبازی و اعمال بی نظیر خویش امر الهی را استقرار بخشیده‌اند کمتر نیست. اما باز آن نفوس مبارکه که در ایجاد تمدنی جهانی که خود جزئی از آئینشان است بسیار بیشتر از دیگران شریک و سهم بوده‌اند هرگز نباید حتی لحظه‌ای تصوّر نمایند که حضرت بهاءالله به علّی مرموز یا به واسطه تفوّق ذاتی و استحقاق مخصوص مردم امریکا چنین منقبت و امتیازی را به ایشان عطا فرموده تا کشورشان مهد نظم جهانی باشد بلکه به واسطه آن که مردم امریکا با وجود خصائل عالیّه و توفیقات حاصله‌شان امروز محاط به فسادی آشکار گشته‌اند. و مادّیت‌پرستی مفرطی که متأسّفانه ملازم آنان گشته بوده است که حضرت بهاءالله و مرکز میثاقش بهائیان آن کشور را به چنان نخر و منقبتی مفتخر فرموده تا مشعلدار نظمی نوین و جهانی باشند که در آثارشان مذکور است و از این طریق است که حضرت بهاءالله قوه نافذّه خویش را به مردم غافل این عصر بهتر نمایان می‌سازد که از میان مردمی مستغرق در بحر مادیات و گرفتار تعصبات دیرینه نژادی و فساد مفتضح سیاسی و دچار هرج و مرج و فقدان موازین اخلاقی قادر گشته تا زنان و مردانی را مبعوث فرماید که به مرور زمان بیشتر معلوم گردد که چه خلق جدیدی به وجود آمده که متخلّق به خلق و خوی رحمانی‌اند و مظهر انقطاع و عصمت و عفت و درستکاری و محبت بی دریغ و انضباط و تقدیس و بصیرت روحانی، تا آن نفوس لایق باشند که در استقرار نظم جهانی و تمدنی که آن کشور و جمیع نوع بشر بدان نیازمندند سهمی عظیم داشته باشند. جامعه بهائی امریکا اولاً به عنوان یکی از محکم‌ترین پایه‌ها و ارکان بنیان بیت‌العدل اعظم و ثانیاً به عنوان بنیان نظم جهانی جدیدی که هسته مرکزی و طلیعه‌اش همان بیت‌العدل است، به چنین امتیاز و وظیفه‌ای مفتخر خواهند بود که دو اصل مزدوج عدل و نظم را ترویج و ظاهر و اعمال نمایند. دو اصلی که در مقابلش فساد سیاسی و بی‌بند و باری اخلاقی که دامن مردم آن کشور را که بهائیان نیز جزئی از آنهاند بیشتر نمودار می‌کند و تضاد و مبینتی غم‌انگیز را آشکار می‌سازد.

این ملاحظات هرچند ناگوار و دردناک باشد نباید سبب شود که خصائل و فضائل مردم امریکا را فراموش کنیم و هوش سرشار و تازگی و جوانی و داشتن ابتکار و فعالیت‌های تولیدیشان را که در جامعه بهائی نیز بسیار نمایان است از نظر پوشانیم. بر اساس آن خصائل و فضائل و نیز محور آن رذائل است که

بلکه بهائیان آن سامان تا حدّ زیادی باید بنیاد متینی را استوار سازند که آن کشور بتواند در طلوع عصر زرین امر حضرت بهاء الله نقش مهمی را در آینده ایفاء نماید.

چه خطیر و مهمّ است مسئولیت نسل حاضر بهائیان امریکا که در این مراحل اولیه از تکامل روحانی و اداریشان باید به کمال همت بکوشند تا جمیع عادات مذمومه و خطا و اشتباهات و تمایلات نامطلوبی را که به ارث به ایشان رسیده از ریشه براندازند و در عوض با صبر و حوصله و دعا و مناجات به جایش نهال خصائل ممتازه و سجایای مخصوصه‌ای را بنشانند که برای شرکت مؤثر در خدمات نجات بخش آئین مقدّسشان لازم و ضروری است و حال که به واسطه قلّت افرادشان و فقدان نفوذشان نمی‌توانند در جمهور مردم کشورشان تأثیر چندانی داشته باشند باید توجه خویش را معطوف به خویشتن کنند و در باره حوائج و نیازهای فردی خود بیندیشند و به نقائص و ضعف‌های خود پردازند و پیوسته بدانند که ازدیاد جهد و کوشش در این سبیل آنان را آماده‌تر و مستعدتر می‌کند که چون وقتش فرا رسد از حیات و قلوب هموطنانشان تمایلات و ردائل سخیفه را زائل نمایند همچنین نباید از این حقیقت غافل شوند که آن نظم جهانی که یاران امریکا اینک به مثابه پیش‌قدمانی می‌کوشند برای نسل‌های آینده کشورشان پایه گذارند هرگز مرتفع نمی‌شود مگر آنکه قاطبه ملت امریکا از مفسد متوّعه اجتماعی و سیاسی که دامنگیرشان گشته پاک و طاهر شده باشند.

چون حوائج و نیازمندی‌های جامعه بهائی را بطور کلی ملاحظه نمایم و کمبودهایی را که سبب رکود اجراء وظائفشان گشته تخمین زنم و خصائص و وظائف بزرگتری را که در آینده به عهده ایشان محوّل خواهد شد از پیش خاطر بگذرانم خود را موظف و مکلف می‌بینم که فوراً به کمال تأکید جامعه بهائی امریکا را از پیر و جوان از سیاه و سفید چه از زمره مبلغین و چه از گروه خادمان عادی تشکیلات چه از قدمای احباء و چه مؤمنین جدید الاقبال کلّ را به نکات دقیقه‌ای متوجه سازم که برای موفقیت در ایفاء وظائفی که حال متّحداً متفقاً بر اجرائش قائمند از لوازم ضروریّه محسوب است یعنی با آنکه تهیه وسائل خارجی و اکیال و بهبود و استفاده از تشکیلات و دوائر اداری که در اجراء وظائف دوگانه‌شان در ظلّ نقشه هفت‌ساله که دارای اهمیت بسیار زیادی است و با آنکه مجهودات مبذوله‌شان و طرح نقشه اقدامات و خدماتشان و جمع تبرّعات مالی برای تعمیم امر تبلیغ و بنای مشرق‌الاذکار همه بسیار فوری و حیاتی است ولی اهمیت و فوریت عوامل فوق‌العاده روحانی که با حیات درونی هر فردی پیوند دارد و با روابط انسانی و اجتماعیشان وابسته است کمتر از آنها نیست و برای حصولش لازم است که دائماً در باره خویشتن خویش موشکافی کنند و همواره دل و جانشان را متذکر سازند و وجدانشان را در

محک امتحان اندازند تا مبدا آن عوامل روحانی از قدر و منزلتش بکاهد و ضرورتش در پرده ابهام بماند یا بکلی فراموش گردد.

مهمترین و حیاتی‌ترین آن عوامل و شرایط که به منزله پایه و اساس موفقیت جمیع نقشه‌های تبلیغی و طرح‌های مشرق‌الاذکار و تدابیر مالی است نکات ذیل است که باید اعضاء جامعه بهائی امریکا دقیقاً به آن توجه نمایند زیرا مقدار مواهب و عطیاتی که نصیب آن یاران خواهد شد وابسته به این است که تا چقدر حدّ بتوانند آن شرایط عمده را در حیات فردی و خدمات اداری و روابط اجتماعی خویش به کار بندند. اهمّ این عوامل و شرایط عبارت است از اول رعایت اعلی درجه مکارم اخلاق و ملکات فاضله در مساعی و مجهودات اجتماعی و اداری، دوم مراعات کامل عفت و عصمت در حیات فردی و سوم رهائی تام از قید تعصبات در معاملات با مردم از هر نژاد و رنگ و از هر طبقه و هر مذهب.

شرط اول بیشتر متوجه نمایندگان منتخب جامعه بهائی در سطح ملی و ناحیه‌ای و محلی است زیرا آنانند خادمان و پاسبانان مؤسّسات نوزاد آئین حضرت بهاءالله و آنانند پایه‌گذاران بنای مستحکم بیت‌العدل اعظم که چنانکه از اسمش پیدا است مروج و حافظ عدل الهی است و آن عدل خود یگانه ضامن حفظ و تعمیم نظم و قانون در این جهان پر آشوب است و شرط ثانی بیشتر و مستقیماً متوجه جوانان است که قوه محرّکه جامعه بهائی و ضامن قدرت و طهارت حیات جامعه و باعث بروز ظهورات کامل قوا و استعدادات مکنونه در امر الهی‌اند. شرط ثالث بیشتر متوجه اعضاء دیگر جامعه بهائی از هر سن و سال و دارای هر نوع تجربه و مقام و هر طبقه و رنگ و نژاد است که باید کلاً و فوراً رفتارشان را با آنچه شایسته انتساب به امر بهائی است مطابق سازند و هیچ کس نیست که ادعا تواند کرد که چنانکه باید و شاید به ادای وظائف و مسؤولیت‌های لازم‌اش در این سبیل نائل شده و توفیق یافته باشد.

حسن اعمال و اخلاق و تمسک شدید به عدل و انصاف که منزّه از نفوذ مخرب محیط فاسد سیاسی باشد حیاتی مشحون از عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس که منزّه از اعمال سخیفه و عاری از موازین نادرستی باشد که فقط معیارهای غیر اخلاقی کنونی آن را تأیید و ترویج می‌کند و مداومت می‌بخشد یگانگی و اخوتی مبرّی و منزّه از تعصّب نژادی که چون سرطان ارکان هیكل رنجور و ناتوان جامعه را فرا گرفته. اینها همه ملکات فاضله‌ای است که باید از این پس یاران امریکا فرداً و مجتمعاً به آن عمل نمایند و در حیات انفرادی و عمومی خویش به کار بندند. و این فضائل و کمالات است که اعظم قوه محرّکه‌ای است که پیشرفت و تقدّم مؤسّسات و نقشه‌ها و مجهوداتشان را که به احسن وجه حافظ

اصالت و عظمت آئین نازنینشان است تأمین و تضمین می‌نماید و هر مانعی را در آینده از پیش راهشان بر می‌دارد.

این خلق و خوی رحمانی که مشتمل است بر عدل و انصاف، راستی و درستی و مروّت و اعتبار و امانت و دیانت باید همواره مابه الامتياز جامعهٔ بهائی در جمیع شئون و مراحل باشد چنانکه از قلم اعلیٰ حضرت بهاءالله چنین نازل شده:

«اليوم اصحاب آلهی خميرمايهٔ احزاب عالمنده، بايد كلّ از امانت و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ايشان اقتباس نمايند».

«قسم به بحر اعظم که در انفاس نفوس مقدّسه تأثيرات کليهٔ مستور است علی شأن یوثر فی الاشياء کلّها».

«خادم امر امروز کسی است که اگر بر مدائن ذهب و فضّه مرور نماید چشم نگشاید و قلبش پاک و مقدّس باشد از آنچه مشاهده می‌شود یعنی از زخارف و آلاء دنیا. قسم به آفتاب حقیقت نفسش مؤثر و کله‌اش جاذب».

«قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضّه شود نفسی که فی الحقیقه به ملکوت ایمان ارتقاء جسته ابداً به آن توجه ننماید تا چه رسد به اخذ آن... اليوم ساکنین بساط احدیه و مستقرین سرر عزّ صمدانیه اگر قوت لایموت نداشته باشند به مال یهود دست دراز نکنند تا چه رسد به غیر حقّ ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه کلّ را مزین فرماید».

«جمیع احبّای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّس را به طین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند».

«یا اهل بهاء به تقوی الله تمسک نمائید هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار».

«طراز سوم فی الخلق انه احسن طراز للخلق من لدی الحقّ زین الله به هیاکل اولیائه لعمری نوره یفوق نور الشمس و اشراقها».

«یک عمل پاک عالم را از افلاک بگذرانند و بال بسته را بگشاید و قوت رفته را باز آرد... یا حزب الله التّقدیس التّقدیس التّقی التّقی... بگو یا حزب الله ناصر و معین و جنود حقّ در زیر و الواح به مثابهٔ

آفتاب ظاهر و لائح آن جنود اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و هست هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد.»

«اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده.»

«ان اعدلوا علی انفسکم ثمّ علی الناس لیظهر آثار العدل من افعالکم بین عبادنا المخلصین.»

«اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط به آن. ان انصفوا یا اولی الالباب من لا انصاف له لا انسانیه له.»

«قل یا قوم زینو السانکم بالصدق و نفوسکم بالامانة ایّاکم یا قوم لاتخونوا فی شی کونوا امناء لله بین بریته و کونوا من المحسنین.»

«مالک قدم مشرق و لامع و کونوا فی الطرف عقیفاً و فی الیدامیناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً.»

«کن ... لوجه الصدق جمالاً و لهیکل الامانة طرازاً و لبيت الاخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً و لجند العدل رایةً و لأفق الخیر نوراً.»

«قل زینوا نفوسکم بالصدق و الآداب و لاتحرموا انفسکم من خلع الحکم و العدل لیهب من شطر قلوبکم روائح قدس محبوب.»

«بگو ای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است سالک نشوید همت نگارید تا آیات حق بر اهل ارض مکشوف و احکام و اوامرش واضح و معلوم گردد. به اعمال سبب هدایت من فی البلاد گردید چه که اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با افعالشان مغایر و مباین است کردار نیک است که مستظلمین در ظل سدره رحمانیه را از مادون ممتاز و گیتی را به روشنی خویش روشن و منور سازد و طوبی از برای نفسی که نصایح قلم اعلی را به سمع قبول اصغا نمود و به آنچه از سماء ارادهء خداوند علیم و حکیم نازل گشته تمسک جست. (ترجمه)»

در این مقام حضرت عبدالبهاء می فرماید، «ای حزب الهی به عون و عنایت جمال مبارک روحی لاجبائه الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی

مشاره بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید.»

«الیوم الزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبای رحمن به خلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که رائحه مشگبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا مقصود از جلوه‌ء الهی و طلوع انوار غیب غیرمتناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود.»

«صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدّس در نفسی رسوخ نماید سائر صفات و کمالات قدسیّه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد.»

هر وقت که نمایندگان منتخب جامعه بهائی در هر مقام که باشند رائی صادر می‌کنند باید آن خلق و خوی رحمانی در تصمیماتشان ظاهر باشد و همچنین جلوه‌اش در معاملات جمیع بهائیان در حیات خصوصی در شغل و کار و در هر نوع خدمتی که در آینده مردم یا حکومت به آنان واگذار می‌نماید همواره نمایان باشد و در رفتار جمیع انتخاب‌کنندگان بهائی هنگام اجراء وظیفه و ادای حقّ مقدّس خویش در انتخابات منعکس گردد و ما به الامتیاز هر مؤمن ثابتی در عدم قبول مشاغل سیاسی و عدم عضویت در احزاب سیاسی و عدم مداخله در مناقشات سیاسی و عدم شرکت در سازمان‌های سیاسی و مؤسّسات روحانیون محرز شود. آن خلق و خوی رحمانی باید در اطاعت کامل جمیع یاران از پیر و جوان از اصول مصرّحه در خطابات حضرت عبداله‌اء و احکام نازله در کتاب مستطاب اقدس نمایان باشد و هر یک از مدافعان امرالله را بر آن دارد که با کمال انصاف و بی‌طرفی نسبت به دشمنان امرالله رفتار نماید و هر حسنی و کجالی که دارند اذعان کند و با کمال راستی و درستی در احقاق حقوقشان بکوشد. آن خلق و خوی رحمانی باید درخشنده‌ترین زینت حیات و شغل و کار و کردار و گفتار هر مروج امر بهائی در داخل و خارج کشور چه در صف مقدم خدمت و چه در مقام مسئولیتی کمتر باشد و نیز باید مهر و نشان اعضاء منتخب محفل ملی باشد که هر چند عده‌شان قلیل است اما به عضویت هیأتی مفتخرند که بسیار مقتدر و فعّال است و مسئولیتش بس خطیر زیرا محافل ملیّه در هر کشورند که یگانه وسیله انتخاب و نیز رکن بیت‌العدل اعظمند و بیت‌العدل چنانکه از اسمش که حضرت بهاءالله بر آن عطاء فرموده‌اند پیدا است مظهر همان خلق و خوی رحمانی است که حفظ و ترویجش نیز اعظم وظیفه اوست.

اصل عدالت الهی چنان مهیمن و عظیم است که باید آن را تاج و تاج تمام محافل روحانی محلی و ملی که طلیعه بیت العدل اعظمند دانست و عظمتش چنان است که حضرت بهاءالله بنفسه العزیز خود و نوایای شخص خویش را تسلیم مقتضیات و واجبات آن اصل اصیل فرموده است چنانکه در بیان مبارکش آمده است:

«حقّ شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعة الله نبود دست قاتل خویش را می بوسیدم و از مال خود او را ارث می دادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب روا نداشت و حطام دنیا در نزد این عبد نبود.»

«به یقین مبین بدان این ظلم های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می نماید. (ترجمه)»

«قل انه ظهر بعدل تننّ به العالم و القوم اکثر هم من النائمین.»

«سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد.»

«هیچ نوری به نور عدل معادله نمی نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم.»

«یا حزب الله مربّی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه انداز برای حیات اهل عالم.»

«عدل و انصاف دو حارسند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد.»

«ان ارتقبوا ایا قوم ایام العدل و انها قادات بالحقّ ایاکم ان تحتجبوا منها و تکونن من الغافلین.»

«عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین آفتاب عدل را در اشد اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود. (ترجمه)»

«بذلتی ظهرت عزّة الکائنات و بابتلائی اشرقت شمس العدل علی العالمین.»

«عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نساءل الله ان یزینهم بنور عدله و یعرفهم ما ینفعهم فی کلّ الاحوال.»

«فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود ارض غیر ارض مشاهده گردد.»

حضرت عبدالبهاء در این باره می‌فرماید: «الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده.» «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو.»

پس عجیبی نیست که مظهر ظهور بهائی اسم و لقب بیتی را که تاج و هاج مؤسسات اداری او است با صفت عدل و نه صفت عفو قرین فرمود و عدل را که طبق کلمات مکنونه نزد او «احب الاشياء» است یگانه اصل و پایه دائمی صلح اعظم مقرر داشته است. در این مقام خود را مکلف می‌دانم که از مؤمنین امرالله مخصوصاً در کشور امریکا نقاضا نمایم که به مقتضای آن سببیه اخلاقی صمیمانه توجه و تمعن نمایند و از دل و جان بدون ادنی تأملی فرداً و جمعاً به میزان اساسی و قوی البیان عدل و انصاف تمسکی شدید جویند.

تنزیه و تقدیس و عصمت و عفت عامل مهم دیگری است که در تقویت و نشاط جامعه بهائی اهمیت و قدرش کمتر از صفات دیگر نیست عاملی است که توفیق هر نقشه و طرح بهائی بستگی به آن دارد. در این ایام که نیروهای لامذهبی ارکان معنویات را متزلزل ساخته و پایه اخلاق افراد را سست نموده باید پرهیزگاری و پاکدامنی بیش از پیش مطمح نظر بهائیان امریکا قرار گیرد و باید آنان هم از لحاظ شخصی و هم به عنوان حارسان مصالح امر حضرت بهاء الله مظهر عفت و تقوی باشند و در اجراء چنین فریضه‌ای مخصوصاً در این زمان که افراط در مادیت پرستی مهلکی کشورشان را فرا گرفته رعایت تقوی اهمیت بارزی یافته و باید در کردار و رفتارشان متجلی گردد و در این زمان خطیر که انوار دین و ایمان رو به خاموشی نهاده و اوامر و نواهی مذهبی یکی بعد از دیگر منسوخ می‌گردد باید یاران امریکا از زن و مرد در کردار خویش دقت نمایند و رفتارشان را ارزیابی و با عزمی جزم و مخصوص قیام کنند و تا حیات جامعه خویش را از اوساخ بی‌بند و باری اخلاقی که سبب ترضیع نام و تضعیف اصالت آئین مقدس و نازنینشان گردد به کلی پاک و طاهر سازند تقوی و تقدیس باید اصل حاکم بر کردار و رفتارشان باشد و در روابط اجتماعیشان چه با اعضاء جامعه بهائی و چه در ارتباطشان با جهان خارج متجلی گردد و سبب زینت و قوت مجهودات بلا انقطاع و مساعی در خور تحسین نفوسی گردد که به مقام رفیع ترویج پیام و اداره امور امر حضرت بهاء الله فائز و مفتخرند.

عفت و تقوی باید به تمام و کمال در جمیع مراحل حیات بهائیان در سفر و حضر در کلوب‌ها و انجمن‌ها و سرگرمی‌ها و مدارس و دانشگاه‌هایشان مراعات شود و در جمیع فعالیت‌های اجتماعی در هر مدرسه تالستانه بهائی و هر جا که تربیت و حیات جامعه بهائی داده می‌شود مورد توجه مخصوص قرار گیرد و

با رسالت جوانان بهائی مطابقت داشته باشد زیرا جوانان یکی از عناصر حیات بهایی اند و نیز عاملی در ترقی و هدایت به راه صحیح کشور خویش در آینده ایام بشمار می روند.

چنین تقدیس و تقوایی متضمن حیا و طهارت و خویشترداری و ادب و پندار نیک است و طالب اعتدال در جمیع شئون در لباس و پوشاک و ادای الفاظ و تفریحات و در جمیع مظاهر هنر و ادبیات است و لازمه اش مواظبت روزانه در تسلط بر شهوات نفسانی و تمایلات شیطانی و اجتناب از سبک سری است که غالباً خود منجر به کسب لذات رذیل و غیرمشروع می شود. این تقدیس و تقوی خواهان پرهیز و احتراز از هر گونه مشروبات الکلی و از تریاک و مخدرات و اعتیادات شبیه آنها است. اجتناب از سوء استفاده و به فحشاء کشیدن هنر و ادبیات است و پرهیز از برهنه جوئی و هم خانگی بدون ازدواج و از خیانت در زندگی زناشوئی و از هر نوع بی‌عفتی و معاشرت‌های بی‌بند و بار و از روابط نامشروع جنسی است. این تقدیس و تقوی هرگز با فرضیه‌ها و معیارها و عادات عصر منحط سازش نمی‌یابد بر عکس با قوه ذاتی خود نمایان می‌سازد که چنان فرضیه‌ها و چنان معیارها همگی فاسد و نادرست است و چنان دعوی‌ها ناچیز و بی‌مقدار و چنان عادت‌ها منحرف و تباه و چنان افراط کاری‌ها از طریق صواب و تقدیس بیرون است.

حضرت بهاءالله می‌فرماید: «به حق قسم که عالم و آنچه در اوست جمال و جلال و لذات و مسرات فریبنده اش کلّ در نظر حقّ چون تراب و رماد بل پست تر مشاهده می‌شود ای کاش قلوب عباد به ادراک آن فائز می‌شد ای اهل بهاء از آلودگی‌های ارض و زخارف فانیّه آن خود را پاک و منزّه سازید حقّ شاهد و گواه که این مراتب دنیّه لایق مقام یاران الهی نبوده و نیست شوئن دنیا را به اهلش واگذارید و دیدگان خود را به این منظر اقدس منیر متوجه سازید. (ترجمه)»

و نیز دوستان خویش را چنین نصیحت می‌فرماید، «ای احباء ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و بما ارادالنفس و الهوی تکلم نکنید.»

همچنین، «ای احبای حقّ از مفاز عتیقه نفس و هوی به فضاهای مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عز احدیه توجه نمایند.»

و در مقام دیگر مذکور، «خود را از تعلقات و آلائش‌های دنیا پاک و منزّه نمائید و مبادا به آن تقرّب جوئید چه که شما را بر شهوات و آمال غیرمرضیه ترغیب و از سلوک در صراط مستقیم و منهج قویم منع می‌نماید. (ترجمه)»

«ان اجتنبوا الاثم وانه حرم عليكم في كتاب الذي لايمسه الا الذين طهرهم الله عن كل دنس و جعلهم من المطهرين.»

و نیز چنین بشارتی را بیان فرمود: «خلقی با صفات و فضائل ممتازه مبعوث گردند (ترجمه)» که «قدم انقطاع بر کل من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطین برافشانند.»

همچنین اهل عالم را به این بیان عظیم تحذیر می فرماید: «ان التمدنّ الذی يذكره علماء مصر الصنایع و الفضل لو يتجاوز حد الاعتدال لتراه نقمة على الناس ... انه يصير مبدأ الفساد في تجاوزه كما كان مبداء الاصلاح في اعتداله.»

و همچنین می فرماید: «آنچه حقّ جل ذکره از برای خود خواسته قلوب عباد اوست که کائنات ذکر و محبت ربانیه و خزائن علم و حکمت الهیه اند لم یزل اراده سلطان لایزال این بوده که قلوب عباد را از اشارات دنیا و ما فیها طاهر نماید تا قابل انوار تجلیات ملیک اسماء و صفات شوند.»

و در مقام دیگر نازل، «قل الذین ارتکبوا الفحشاء و تمسکوا بالدنیا انهم لیسوا من اهل البهائم هم عباد لویردون و ادیا من الذهب یمرون عنه کمرالسحاب و لا یلتفتون الیه ابدًا الا انهم منی لیجدن من قیصهم الملاء الاعلی عرف التقدیس... و لویرون علیهم ذوات الجمال باحسن الطراز لاترتد الیهن ابصارهم بالهوا اولئک خلقوا من التقوی کذلک یعلّمکم قلم القدم من لدن ربکم العزیز الوهاب.»

و نیز در اندازی دیگر می فرماید، «ان الذین اتبعوا الهواى ضل سعیم فی الدینا و فی الآخرة لهم سوء العذاب.»

«ینبغی لاهل البهائم ان ینقطعوا عن علی الارض کلها علی شأن یجدن اهل الفردوس نفحات التقدیس من قیصهم... ان الذین ضیعوا الامر بما اتبعوا هوانهم انهم فی ضلال مبین.»

و ایضاً می فرماید، «طراز اعظم از برای امّاء عصمت و عفت بوده و هست لعمرالله نور عصمت آفاق عوالم معانی را روشن نماید و عرفش به فردوس اعلی رسد.»

و نیز چنین می فرماید، «ان الله قد جعل العصمة اکیلاً لرؤس امّائه طوبی لامة فازت بهذا المقام العظیم.»

همچنین یاران و احبای خویش را به این بشارت صریح مفتخر و مستبشر می سازد، «خداوند در کتاب الهی برای نفوسی که از اعمال سیئه خبیثه اجتناب و به افعال طیبه طاهره اقبال نمایند اجر جزیل و ثواب جمیل مقدر فرموده اوست بخشنده عظیم و فضال. (ترجمه)»

و در مقام دیگر نازل، «انا حملنا البلایا کلها لتطهیر انفسکم و اتم من الغافلین... انا نراکم فی اعمالکم اذا وجدنا منها الرائحة المقدسه الطیبه نصلی علیکم و بذلک ینطق لسان اهل الفردوس بذکرکم و ثنائکم بین المقرّین.»

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدسه می فرماید، «اما شراب به نص کتاب اقدس شربش ممنوع زیرا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است.»

در این مقام حضرت بهاء الله چنین می فرماید، «ان اشربن یا اماء الله خمر المعانی من کوؤس الکلمات ثم اترکن ما یکرهه العقول لانها حرمت علیکن فی الألواح و الزیرات ایکن ان تبدلن کوثر الحیوان بما تکرهه انفس الزایکات ان اسکرن بخمر محبة الله لا بما یخامر به عقولکن یا ایها القانتات انما حرمت علی کل مؤمن و مؤمنه کذلک اشرق شمس الحکم من افق البیان تستضئ بها اماء المؤمنات.»

باید در نظر داشت که حفظ و رعایت حدود و موازین عالیة اخلاقی به هیچوجه نباید با اصل عزلت و ترک دنیا خشک مقدسی به نحو افراط اشتباه نمود معیاری که حضرت بهاء الله در این مقام مقرر فرموده مستلزم آن نیست که احدی از حقوق مشروع و بهره مندی از لذات و زیبائیها و تمنعات مجاز و سالم که خداوند مهربان به وفور در این جهان خلق فرموده خود را محروم و ممنوع سازد زیرا حضرت بهاء الله چنین فرموده است:

«ان الذی لن یمنعه شیء عن الله لا باس علیه لویزین نفسه به حلل الارض و زینتها و ما خلق فیها لان الله خلق کل ما فی السموات و الارض لعباده الموحدین کلوا یا قوم ما احل الله علیکم و لا تحرموا انفسکم عن بدایع نعماته ثم اشکروه و کونوا من الشاکرین.»

اما تعصبات نژادی که تقریباً یک قرن است بر ارکان بنیان اجتماعی امریکا تاخته و تار و پود جامعه اش را از هم گسیخته مهمّترین و حیاتی ترین مسأله ای است که جامعه بهائی با آن رو برو است و مقابله با چنین مشکل عظیم و پر اهمیتّی که یاران امریکا هنوز چنانکه باید به حلّش موفق نگشته اند مستلزم جهد و کوششی مداوم است، مقتضی فداکاری و ایثار است، مواظبت و مراقبت است،

شهامت و استقامت و همدردی و فراست است و این همه به قدری فوریت و به قدری اهمیت دارد که وصفش نتوان کرد.

پس یاران قدیم و جدید، سیاه و سفید، وضع و شریف هر یک به قدر مقدور باید تمام استعداد و تجربه خود را بکار اندازند و در حلّ این مشکل مشارکت و مساعدت کنند تا با اجرای دستور و اجرای اوامر الهی موفق شوند تا بر اثر اقدام حضرت عبدالبهاء مشی نمایند هنوز مروجین امر نجات بخش حضرت بهاء الله چه سفیدپوست و چه سیاهپوست در امریکا راهی دراز و ناهموار و پرسنگ و خار در پیش دارند که باید به قدم همت پیمایند و کمتر کسی از احبّاء امریکا کاملاً واقف است که مقدار مسافتی که در این سبیل می پیمایند و روشی که در این سفر پیش می گیرند وابسته به تصرّفات همان قوای غیبیه ای است که ضامن پیروزی روحانی یاران امریکا و نیز موفقیت مادی نقشه اخیری است که به اجرائش برخاسته اند.

یاران امریکا پیوسته باید با شجاعتی بی هراس و عزمی بی قیاس مثلّی اعلی و روش و سلوک حضرت عبدالبهاء را که چندی شمع جمعشان بود در نظر داشته باشند، باید شهامت و عشق و محبت بی دریغش و سادگی و دوستی بی تکلفش و انتقادات همراه با ملایمت و حکمتش را بیاد آورند، باید جمیع خاطرات وقایع فراموش ناشدنی و تاریخی را که حضرت عبدالبهاء در روش و سلوک خود نمایان ساخت زنده نگاه دارند یعنی عدل و انصاف و همدردی و غمگساریش را با مستمندان و تمسّکش را به اصل وحدت نوع انسان و محبت بی پایانش را نسبت به بهائیان و ناخشنودیش را از کسانی که آمال مبارکش را زیر پا می نهادند و روش و سلوکش را سرسری می گرفتند و به ردّ تعالیم و اصولش برمی خاستند و اعمال و کردارش را تخطئه می کردند همه را همواره در گنجینه خاطر حفظ نمایند.

اگر به هر نژادی به این بهانه که از لحاظ اجتماعی عقب مانده و از نظر سیاسی نابالغ و از حیث عدد قلیل است تبعیض و اجحاف روا داریم یقین است که به روح نبّاض امر حضرت بهاء الله تجاوزی آشکار وارد ساخته ایم زیرا احساس هر نوع جدائی و انشقاق در میان پیروان جمال ابهی کاملاً مغایر و منافی با مقصد و آمال و مرام امرالله است و چون اعضاء جامعه بهائی کاملاً به معرفت امر حضرت بهاء الله نایل گردند و با نظم اداریش همعنان شوند و اصول و احکامش را که در متن تعالیمش مندرج است تصدیق و قبول نمایند دیگر هر نوع اختلاف مربوط به طبقات یا رنگ پوست از میانشان رخت بریندد و به هیچ وجه و به هیچ بهانه و تحت فشار هیچ واقعه ای در جامعه بهائی راه نیابد. و اگر تفاوت و تفوق در میان آید باید در جهت حفظ مصالح اقلیت نژادی و غیر آن به کار برده شود.

هر جامعه متشکلی که تحت لوای حضرت بهاءالله درآمده، درست بر عکس ملل و مردم جهان چه در شرق و چه در غرب رفتار می کند در کشورهای استبدادی یا دموکراتیک، کمونیستی یا سرمایه داری، در نیمکره شرقی یا غربی مردم در هیچ یک از آنها اقلیت های نژادی و سیاسی و مذهبی را به حساب نمی آورند و پایمال، حتی نابودشان می سازند. اما بهائیان باید اول وظیفه حتمی خویش را چنین دانند که به افراد هر اقلیتی از هر دین و نژاد و طبقه و قومی فرصت پرورش دهند و تشویق و حراستشان نمایند و این اصل اساسی چنان عظیم و حیاتی است که چون در انتخابات بهائی یا در وقت تعیین هیأت عامله تعداد آراء بین دو نفر مساوی گردد که یکی از آنها از افراد اقلیت نژادی یا مذهبی و یا قومی باشد باید بی درنگ فرد اقلیت را ترجیح داد و او را منتخب یا منصوب ساخت در پرتو این اصل اصیل و به واسطه آنکه شرکت عناصر اقلیت و داشتن مسئولیت در فعالیت ها و خدمات بهائی بسیار مطلوب و محبوب است، وظیفه هر جامعه بهائی است که امور خود را چنان تنظیم نماید که حتی الامکان افرادی از اقلیت های مختلف که دارای شرایط و لیاقت لازم باشند در مؤسسات بهائی از قبیل محافل روحانیه و کانونش ها و کنفرانس ها و لجنه ها به عضویت رسند و در آنها نمایندگی داشته باشند.

اخذ چنین روش و استقامت صادقانه در آن سبیل نه تنها سرچشمه الهام و تشویق اقلیت ها خواهد بود بلکه به جهانیان نیز ثابت خواهد کرد که امر حضرت بهاءالله آئینی است جامع و جهانی و فراگیر و نشان خواهد داد که پیروانش از قید تعصباتی که امور داخلی و روابط خارجی اهل عالم را دچار خرابی ها و تشنجات فراوان ساخته به کلی رهائی یافته اند.

در این ایام که قسمت بزرگی از نوع انسان به شدت در پنجه تعصبات نژادی به انواع مختلف اسیر است، افراد جامعه بهائی امریکا در هریک از ایالات به هر جا که می روند و در هر سنی و سنتی و ذوقی و عادتی که باشند باید استخلاص از قید تعصبات نژادی را نصب العین و شعار خویش سازند و در هر مرحله از حیاتشان و فعالیتشان چه داخل جامعه بهائی یا خارج آن در مجامع عمومی یا خصوصی، رسمی یا غیر رسمی، فردی یا در مقام رسمی تشکیلات بهائی در لجنه ها و محافل، در جمیع شئون اثبات نمایند که از قید تعصبات نژادی رهائی یافته اند و برای پرورش و تقویت آن اصل هر روز هر فرصتی را هر چند ناچیز باشد مغتنم شمارند و در همه جا در خانه یا محل کار، در مدرسه یا دانشگاه، در مهمانی ها یا در ورزشگاه ها، در مجالس بهائی یا در کنفرانس ها و کانونش ها، در مدارس تابستانه یا محفل روحانی اصل عدم تعصب نژادی را ظاهر و جلوه گر سازند و بالاتر از همه و بیش از هر چیز اساس سیاست محفل ملی یعنی اعلی هیأت بهائی در کشور باید این باشد که به عنوان نماینده ملت بهائی و مدیر و مدبر

امور جامعه سرمشق گردند و چنان اصل اصیلی را بر حیات و خدمات بهائیان که بر حفظ مصالح و حمایتشان مأمورند منطبق سازند و تعمیمش را تسهیل نمایند. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«ای اهل بینش آنچه از سماء مشیت آلهیه نازل گشته علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده، از اختلافات جنسیه چشم بردارید و کلّ را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید (ترجمه)» همچنین «مقصودی جز ارتفاع کلمه‌الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست».

«جمع ملل باید در ظلّ امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهرپرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیه و مذهبیّه کلّ محو و زائل گردد (ترجمه)» همچنین حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «حضرت بهاءالله فرموده‌اند که، نژادهای مختلف انسان موجب ترکیبی هم‌آهنگ و رنگارنگ می‌گردد پس در این بوستان وسیع انسان باید با هم برویند و در کنار هم فارغ از هر اختلاف و خصومتی نشو و نما نمایند. (ترجمه)»

و نیز می‌فرمایند، «حضرت بهاءالله روزی سیاه‌پوستان را به مردمک سیاه چشم که حول آن را سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند و در این مردمک سیاه همواره انعکاسی از صور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده می‌گردد و از آن انوار و تجلیات روح ظاهر و نمایان شود (ترجمه)».

و در مقام دیگر مذکور:

«خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمی‌گذارد اگر قلوب پاک و مقدّس باشد هر دو نزد حقّ مقبول است خداوند نظر به لون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حقّ یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کلّ به صورت و مثال الهی خلق شده‌اند و لهذا ما باید بدانیم که جمیع حامل صفات الهی هستند. (ترجمه)» و نیز می‌فرماید:

«در پیش خدا جمیع نفوس یکسانند و در ملکوت عدل و رحمت الهی امتیاز و رجحانی برای احدی متصور نه (ترجمه)» همچنین «این حدود و تفاوتها را خلق نفرموده بلکه همه مخلوق بشر است و چون با مقصد و اراده الهی مغایر و مباین است وهم صرف است (ترجمه)». «در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگ‌ها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است، بو و رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند خدا نظر به الوان نماید نظر به قلوب نماید هر کس قلبش پاکتر بهتر، هر کس اخلاقش نیکوتر خوشتر، هر کس توجهش به ملکوت ابهی بیشتر پیشتر، الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد» و نیز می‌فرماید:

«طیور و حیوانات مختلف اللّون ابدأً نظر به رنگ نمی کنند بلکه به نوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمی شود چرا انسان که عاقل است اختلاف می کند ابدأً سزاوار نیست علی‌الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند... پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده، ابدأً اهمّیت ندارد.» و در جائی دیگر می فرماید: «انسان واجد عقل و ایقان و صاحب بصیرت و عرفان و مظهر الطاف و مواهب حضرت یزدان است آیا سزاوار است افکار و تعصبات جنسیّه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت یعنی وحدت من فی الامکان را از جلوه و لمعان باز دارد.» (ترجمه) «یکی از اصول مهمّه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین اجناس سیاه و سفید است مابین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره‌ای موارد اختلاف و تمایز مشهود و محسوس که مستلزم بذل دقت و اتّخاذ تصمیمات متقابل و تدابیر عادلانه حکیمانه است موارد ارتباط و وحدت بسیار است... در این کشور یعنی ایالات متّحده امریک حبّ وطن متعلّق به هر دو جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه در صقع واحدند، به یک لسان متکلم اند و از مواهب و برکات یک مدنیّت بهره‌مند به یک دین متدین اند و به یک اصول معتقد و پای بند فی الحقیقه موجبات الفت و محبّت و اتّحاد و اتّفاق از جهات کثیره بین این دو جنس موجود و حال آن که یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله لون است با این وصف آیا جائز است که این اختلاف جزئی علّت افتراق گردد و این تفاوت مورث انشقاق و تجزّی یک ملت و یک خاندان شود» و همچنین مؤکداً می فرماید:

«این اختلاف صور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافّه ممکنات موجود و محسوس مبتنی بر حکمت الهی و مشیّت بالغه سبحانی است» (ترجمه) «این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبّت و یگانگی و مایه اتّفاق و یکرنگی گردد به مثابه موسیقی که چون الحان مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذذ و محظوظ نماید» (ترجمه) و نیز دوستان را به این بیان مبارک نصیحت می فرماید:

«اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نمائید نسبت به آنان عدم اعتماد نشان ندهید و به تمامه به خود مشغول مگردید و به افکار و اذکار خود پردازید بلکه بالعکس اظهار مسرت کنید و ابراز رضایت و عطف نمائید.» «در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت ربّ و دود است که افراد سفید و سیاه با نهایت الفت و وداد یعنی با روح الهی و وحدت آسمانی با یکدیگر محشور گردند و با عشق و علاقه سرشار و محبّت و مودّت بیشمار امتزاج یابند و ارتباط حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه علیین لسان به تحسین گشایند و جمال اقدس اربی از ملکوت اعلی آن جمع متآلف را به این خطاب احلی مفتخر و

متباهی فرماید طوبی لکم ثم طوبی لکم و چون محفلی مرگب از افراد این دو جنس انعقاد یابد آن محفل جالب تأییدات ملاءاعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود». (ترجمه) و باز هر دو طبقه یعنی سیاه و سفید را به این بیانات عالیات نصیحت می‌فرماید:

«نهایت اهتمام مبذول دارید و به جان و دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت تحکیم پذیرد این موهبت رخ نگشاید و این موفقیت حاصل نگردد مگر با بذل همت و اعمال حسن نیت از هر دو طرف از یکطرف اظهار قدردانی و امتنان و از طرف دیگر ابراز مهربانی و تثبیت وحدت و برابری فی الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر را در بسط و توسعه این منظور متقابل تقویت و مساعدت نماید. و چون چنین شود الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالنتیجه موجبات تحقق وحدت عالم انسان فراهم گردد زیرا حصول اتحاد بین سفید و سیاه تضمینی برای استقرار صلح جهان و تشدید مبانی یگانگی در عالم امکان است» (ترجمه) و نیز خطاب به افراد سفید می‌فرماید:

«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید، این ضدیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در میان سیاه و سفید است جز به ایمان و ایقان و تعالیم مبارک زائل نگردد.»

و بالاخره به موجب این بیان اتم اقوم توجه اهل عالم را به مقام و اهمیت این امر خطیر معطوف می‌دارد
قوله‌العزیز:

«این قضیه اتحاد سیاه و سفید بسیار مهم است و اگر حصول نیابد عنقریب مشکلات عظیمه حاصل گردد.»

و نیز می‌فرماید:

«اگر کار بر این منوال بماند روز بروز این عداوت ازدیاد یابد و عاقبت مورث مضرات کلیه شود و سبب خونریزی گردد.»

در این عصر ظلمانی هر دو نژاد سیاه و سفید باید کوششی فوق‌العاده نمایند تا انوار تعالیم و روح آئین حضرت بهاءالله در افکار و آداب و رفتارشان پرتو افکند. و باید شب و روز مجاهدت نمایند تا برای ایفای این مسئولیت مشترک و خطیرشان یکباره و تا ابد عقائد باطله سفسطه‌آمیز نژادی را با تمام پریشانی‌ها و مصیبت‌هایی که در بر دارد به کلی از خود برانند و اختلاط بین نژادها را تشویق و استقبال نمایند و جمیع موانع و سدّهائی را که امروزه بین آنان جدائی افکنده درهم شکنند و در این راه چون هر

یک از آنان می‌کوشد که سهم خود را در حلّ این مشکل بخرنچ ادا نماید چه نیکو است که انذارات حضرت عبدالبهاء را به خاطر آوریم و تا وقت باقی است پیش خود مجسم کنیم که اگر وضع غم‌انگیز و خطیری که تمام ملت امریکا را فرا گرفته به کلیّ علاج نشود چه عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت.

سفیدپوستانی که با عزمی راسخ قصد شرکت در حلّ این مشکل را دارند باید احساس برتری و تفوقی را که به ارث برده و گاه نادانسته در ضمیرشان محفوظ داشته‌اند برای همیشه از خود برانند و نژاد دیگر را از روی ترحم حمایت ننمایند بلکه از راه معاشرت صمیمانه و صفای دل و یکرنگی صادقانه آنان را راضی وقانع نمایند. و اگر آنچه می‌کنند به قبول آن مردم که سالیان دراز زخمهای شدید و دیرعلاجی دیده‌اند در نیاید بردباری کنند و بر بی‌صبری خویش غالب آیند.

از طرف دیگر سیاه‌پوستان نیز باید با کوششی مشابه با تمام قوا و با گرمی مساعی آن طرف را تقدیر و اجابت نمایند و نشان دهند که حاضرند گذشته‌ها را فراموش کنند و قادرند غبار هر شک و سوءظنی را که ممکن است هنوز بر ضمیر و دلشان نشسته باشد به کلیّ بزدايند و هیچ یک از آن دو نژاد نباید تصور نماید که چنان مشکل بزرگی را باید منحصرأً طرف دیگر حلّ نماید.

هیچ کس نباید چنین پندارد که می‌توان با اطمینان خاطر صبر کرد و منتظر شد تا واسطه یا سازمانی خارج از امر الهی پیدا شود تا با ابتکاری و خلق محیط مساعدی بر حلّ آن مشکل عظیم فائق گردد. هیچ کس نباید چنین اندیشد که چیزی جز محبت خالص و صبر جمیل و خضوع حقیقی و حکمت کامل و ابتکار صحیح و فراستی وافر و مساعی مداوم و سنجیده توأم با دعا و مناجات نیست که بتواند لکه ننگ اختلافات نژادی را که سبب بدنامی آن سرزمین گشته از دامن کشورشان بزدايد. پس بهائیان از نژاد سفید و سیاه باید ایمان داشته و قویاً معتقد باشند که تغییر مسیر خطرناک اختلافات نژادی در این نیست که نیروئی یا سازمانی خارج از حیطه امر بهائی بیاید و چاره کار کند بلکه در محبت و الفت است و در معاضدت پایدار است که آن مشکل بزرگ که مورد انذار و تخذیر حضرت عبدالبهاء بود حلّ شدنی است و نیز از همین راه است که آمال مرکز میثاق را تحقق می‌بخشد و این آرزوی مبارکش را بر می‌آورد که سیاه و سفید دست به دست دهند و سهم خویش را برای وصول به سر نوشت درخشان آن کشور ادا نمایند.

دوستان عزیز و محبوب، عمل خالص و خلق و خوی رحمانی با تمام تجلیاتش چقدر با خدعه و فریب و فسادی که از خصائص حیات سیاسی و احزاب و دستجات آن ملت است تضاد و تباین دارد. تقدیس

و عصمت و پاکدامنی چقدر با عنان گسیختگی اخلاقی و آزادی بی‌بندوباری که عده بسیار کثیری از افراد آن کشور را مبتلا ساخته مغایرت دارد. الفت و همنشینی بین نژادها چقدر از تعصبات نژادی که دامن اکثریت وسیع آن مردم را لگه‌دار ساخته دور و پر فاصله است، این صفات و کمالات عالیه است که اسلحه بهائیان امریکا است و همان است که باید یاران آن سامان در جهاد روحانی خویش آن سلاح‌ها را به کار گیرند تا اولاً حیات درونی جامعه خویش را جان و نشاط بخشند و ثانیاً بر مفاسد و شرور دیرپائی که در حیات آن ملت رخنه نموده دلیرانه حمله آورند. کامل کردن آن سلاح‌ها و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه آنها است که بهائیان امریکا را حتی بیش از پیشرفت هر نقشه‌ای یا کشیدن هر طرحی و ذخیره هر مقدار از منابع مادی تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر آنان را برای مساعدت در ایجاد و بکار انداختن نظمی جهانی که حال در کالبد مؤسّسات اداری آئین مقدّسشان در حال تکوین است هدایت خواهد نمود.

در این جهاد دو گانه مبارزان غیور امر حضرت بهاءالله لابد است که با مقاومتی شدید روبرو گردند و چه بسا به عقب رانده شوند لهذا آن سپاهیان ملکوت باید با غرائز خویش بجنگند و مردانه با هجوم قوای مرتجعین و محافظه کاران و مقاومت ارباب منافع و مخالفت مردم فاسد شهوت‌ران زمانه به نبرد برخیزند و سخت استقامت و پایداری کنند و بر همه غالب گردند و چون تجهیزات دفاعیشان آماده گردد و توسعه و بسط یابد آن وقت است که تندباد طعن و لعن و خیل ملامت و افتراء بر سرشان هجوم آورد چنانکه آن مبارزان امر حضرت بهاءالله به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسّسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیارانشان را سرسری گیرند حتی شاید ملاحظه نمایند که قلیلی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمل لطمات حملات و انتقادات روزافزون عاجزاند گاه از امر الهی تبری جویند اینست که حضرت عبداله‌بهاء پیش‌بینی فرموده که «به سبب عبداله‌بهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید.»

اما سپاه شکست‌ناپذیر حضرت بهاءالله که حجاباً لجماله و به نام مبارکش در مغرب‌زمین در میدانی طوفان خیز و در یکی از سخت‌ترین و با شکوه‌ترین جنگ‌هایش به محاربه مشغول است هرگز نباید از انتقاد خرده‌گیران هراسان گردد یا از اعتراضات مفتریان که با زخم زبان مقاصد عالیه‌اش را خوار و حقیر جلوه می‌دهند خائف و پریشان شود. هرگز نباید از تهدید پیشرفت قوای متعصبین و متطرفین مذهبی و مفسدین و مغرضین که کلّ به مقابله بر می‌خیزند عقب نشینند و از میدان بدر رود زیرا صدای اعتراض

سبب انتشار ندای امر یزدان است و عدم محبوبیت علت تجلی بیشتر تفوق آنان بر خیل دشمنان. و رد و طرد به منزله مغناطیسی است که نیرویش بالمال سرسخت‌ترین دشمنان عربده‌جوی را به خود جذب نماید چنانکه در (ایران) کشوری که اعظم میدان جهاد امر الهی و موطن شرورترین دشمنانش بوده بروز وقایع حادثه و نفوذ تدریجی و مداوم عالیه‌اش و نیز تحقق وعودش بالمال بعضی از اعظم دشمنانش را خلع سلاح نمود و تغییر حالت داد حتی به ایمان راسخ فائز کرد و در زمره پیروان وفادارش در آورد. حصول چنین تحوّل عظیمی و چنین تغییر شگرفی در خلق و خوی مردمان فقط از این راه ممکن می‌گردد که آن مجاهدان سبیل الهی که مقدر است پیام جانبخش حضرت بهاءالله را به مردم تشنه لب بی‌راهنمای سرگردان ابلاغ کنند خود را از لوّث مفاسدی که باید از جهان بزدايند پاک و مبری نگاه دارند.

ای یاران محبوب قصدم اینست که نه تنها آن عزیزان را از فوریت و لزومیت و اهمیت وظیفه مقدسی که بر دوش دارید با خبر سازم بلکه از امکانات نامحدودی که آن وظیفه در حیات و اعمال جامعه یاران در بر دارد که هم سبب اعتلاء آنان و هم موجب ارتفاع موازین و نیات و مقاصد سایر مردم امریکا می‌گردد شمه‌ای بیان نمایم و امیدوار بل مطمئنم که آن یاران از دشواری و مشکلات شدید وظائف مقدسه خویش مرعوب نگردند و با شدائد این زمان که با وجود مخاطرت و فسادش آینده بس درخشان و بی‌نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد مردانه مقابله نمایند.

دوستان بسیار عزیز در ابتدای این اوراق کوشیدم تا به قدر کفایت از فرصت‌های درخشان و جلیل و مسئولیت‌های بسیار عظیمی بیان نمایم که در این زمان بر اثر تضییقات و مظالم وارده بر امر جهانگیر حضرت بهاءالله و در چنین مرحله خطیر عصر تکوین امر بهائی و چنین دوران بحرانی تاریخ بشری متوجه یاران امریکا گشته است و همچنین از حقیقت رسالتشان که عنقریب باید آن جامعه به حکم اوضاع جبر زمانه بر اجرائش قیامی مردانه نمایند، و نیز از اندازاتی که برای درک و فهم واضح‌تر و اجرای بهتر خدمات آینده‌شان لازم است سخن گویم و حتی‌المقدور آن خصائص و کمالات و موازین عالیّه محرکه‌ای را که حصولش بسیار مشکل ولی برای موفقیت در خدمات شما ضروری است توضیح و بسط دهم.

حال در این مقام باید چند کلمه‌ای درباره جنبه مادی خدمات ضروری و فوری آن یاران بنگارم، خدماتی که چون در وقت مقدر به انجام رسد نه تنها مراحل باقیه نقشه ملکوتی حضرت عبداله‌اء را تحقق بخشد بلکه استعداد و قوای را نیز تجهیز نماید تا آن یاران را قادر سازد به موقع خود وظائف و مسئولیت‌های ضروریّه رسالت عظمی را که بدان مفتخرند باحسن وجه ایفا نمایند.

نقشه هفت ساله با دو هدف عمده‌اش یعنی تزئینات خارجی بنای مشرق‌الاذکار و تبلیغ و اشاعه امرالله در ممالک امریکای شمالی و جنوبی حال در سال دومش پیشرفتی شایان نموده و با شواهدی که در ماه‌های اخیر به ظهور رسیده سبب تشویق و دلگرمی ناظرین گشته و به تحقق اهدافش در رأس تاریخ مقرر بشارت می‌دهد. قدم‌های بعدی برای تسهیل و پرداختن به جمیع اقدامات لازم برای تزئینات مشرق‌الاذکار نیز برداشته شده و آخرین مرحله متضمن تمام پیروزمندانه این مشروع سی‌ساله هم اکنون آغاز گشته و قرار داد اول مربوط به طبقه اول و عمده آن بنای رفیع به امضاء رسیده است و صندوق مخصوصی به نام مبارک حضرت ورقه علیا تأسیس گشته و ادامه کار بدون وقفه تا پایان ساختمانش تضمین شده است خاطرات شورانگیز نفس مقدسی که قلب مبارکش از ارتفاع آن بنیان رفیع سرشار از سرور و شادمانی بود یقین است چنان آن یاران را در مساعی نهائی لازم برای تکمیلش قوت می‌دهد که حتی در نفوسی که ممکن است هنوز پندارند که ساختن چنان بنائی از حد قدرت جامعه بهائی بیرون است ادنی شک و تردیدی باقی نخواهد گذاشت.

حال در جنبه تبلیغی نقشه هفت‌ساله قدری تأمل نمائیم که باید با مشکلات آینده‌اش مبارزه و مقابله نمود و حوائج و ضروریاتش را مطالعه کرد و سنجد و فراهم آورد. هر چند اولین مشرق‌الاذکار غرب هیأت و صورتش دلربا و جمیل و ابعادش جسیم و هندسه‌اش بدیع و مقصد و آمالی که دربر دارد بس رفیع است با همه این احوال باید در این زمان آن را به همان گونه نگریست که به دیگر مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی که همه برای این طرح شده‌اند که به منزله وسائط و وسائل صحیح ترویج و انتشار آمال و حقایق و اصول امرالهی باشند.

پس باید یاران امریکا مستقیماً توجه دقیق و مداوم خویش را به آنچه لازمه تبلیغ در نقشه هفت‌ساله است معطوف نمایند و فرد فرد اعضاء جامعه قیام به تدارک واجبات آن نمایند. هرگز نباید تصور کنند که تبلیغ امرالله و اعلان حقایقش و دفاع از مصالحش و اثبات ضرورت و عمومیتش با گفتار و کردار منحصرأً وظیفه تشکیلات اداری بهائی اعم از محافل روحانیه یا لجنه‌های وابسته است بلکه جمیع افراد بهائی هر قدر مقامات ظاهریشان حقیر و تجارشان قلیل و منابع و امکاناتشان ناچیز و هر قدر تحصیلاتشان محدود و نگرانی و دغدغه خاطرشان شدید و محیط زندگانشان نامناسب و نامساعد باشد کل باید بدون استثناء در تبلیغ امرالله مشارکت نمایند چنانکه حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«قد کتب الله لكل نفسٍ تبلیغ امره» و نیز «یا ملاء البهء بلغوا امرالله لأن الله قد کتب لكل نفسٍ تبلیغ امره وجعله افضل الاعمال».

اگر کسی از افراد جامعه به مرتبه‌ای عالی رسد نفس آن امتیاز و مقام با مسئولیتی همراه است که او بدون شک هرگز نمی‌تواند از آن شانه خالی کند و آن مسئولیت عبارت از تبلیغ امرالله و ترویج کلمه‌الله است. هر چند آن مقامات و مراتب احياناً امکانات و تسهیلات بیشتری را در اشاعه امر الهی و جذب حامیان و یاوران مؤسسانش به وجود می‌آورد اما نمی‌توان گفت که در جمیع احوال مقامات و مراتب مذکور در تقلیب قلوب و افکار طالبان تحقیق امرالله بالضروره نفوذ بیشتری داشته باشد و چنانکه تاریخ امر بهائی در ایران شهادت می‌دهد چه بسا که احقر نفوس در جامعه بهائی بوده‌اند که هرگز مدرسه‌ای ندیده و تجربه‌ای نیندوخته و مقامی نیافته حتی از هوش و ذکاوت سرشار عاری بوده‌اند که توانسته‌اند به فتوحات عظیمه‌ای نائل گردند که اعظم توفیقات اهل علم و دانش و تجربه در مقابلش کم فروغ جلوه می‌کند.

به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «پطرس نیز به حسب تاریخ کلیسا حساب هفته را نمی‌توانست نگاه دارد. و وقتی می‌خواست به صید ماهی برود هفت بسته غذا می‌بست هر روز یکی را می‌خورد چون آن هفتمین را می‌خورد می‌دانست روز سبت است آن وقت می‌آمد سبت را نگاه می‌داشت.»

پس اگر حضرت مسیح یا «پسر انسان» قادر بود در شخص ساده و ناتوانی چنان قوه‌ای بدمد که به فرمایش حضرت بهاءالله «جری من فیه اسرار الحکمة والبیان» یعنی اسرار حکمت و بیان از دهانش جاری شود و او را بر سایر حواریون مریخ شمارد و او را جانشین و مؤسس کلیسای خویش شمارد دیگر ملاحظه کنید که حضرت بهاءالله یعنی پدر آسمانی چه قوائی را در ضعیف‌ترین و حقیرترین بندگانش می‌تواند به ودیعت نهد تا در سبیل اجرای مقاصد مقدّسش به امور عظیمه‌ای نائل گردند که حتی توفیقات اولین حواری حضرت مسیح در مقابلش بزرگ ننماید.

و در مقام دیگر از قلم مبارکش چنین صادر گشته: «حضرت اعلی روحی له الفدا می‌فرماید، لو ارادت نمله ان تفسر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لان الله الصمدانیه قد تلجلج فی الحقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لاجبائه الفدا چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.»

امروز میدان خدمت چنان وسیع و زمان چنان خطیر و امر الهی چنان عظیم و فرصت چنان قصیر و عده خادمانش چنان قلیل و امتیازات مخصوصه‌اش چنان جلیل است که هیچ یک از پیروان آئین حضرت بهاءالله که لایق انتساب به نام مبارک او است لحظه‌ای نمی‌تواند و نمی‌پسندد که آنی توقّف و فتور به خود راه دهد.

آن قوه الهیه که سطوتش عام و مقاومت‌ناپذیر و قدرتش بی‌حساب و مسیرش خارج از حیثه تصور و تصرفاتش اسرارانگیز و ظهورات و بروزاتش حیرت‌خیز، قوه‌ای که به فرموده حضرت اعلی «قد تلجلج فی حقیقه الکائنات» و به فرموده حضرت بهاءالله قوای نافذه نباضه‌اش «قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهدالبدیع» است چنین قوه‌ای به منزله شمشیری دو دم در کار است تا از طرفی رشته‌های پوسیده عتیقه‌ای را که قرن‌ها تار و پود نسج جامعه متمدن عالم را به هم بافته است از هم بگسلاند و از طرف دیگر گره‌هایی را که هنوز امر نوزاد الهی را در بند کرده و آزادیش را سلب نموده به کلی از هم بگشاید این قوه حائز امکاناتی است که حتی در عالم رؤیا نیز مشاهده نتوان کرد حال بر عهده یاران امریکا است که برخیزند و آن فرصت‌ها را کاملاً و متهوراً مغتصب شمارند. و این بیان حضرت عبدالبهاء را بیاد آورند که می‌فرماید:

«الیوم حقائق مقدسه ملاء اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع به این عالم می‌نمایند تا موفق به خدمتی به آستان جمال ابهی گردند و به عبودیت عتبه مقدسه قیام کنند.»

جهان ما امروز جهانی است که در آن انوار دین هر دم خاموش‌تر می‌شود و قوای انفجارپذیر ناسیونالیسم بی‌امان و غالب هر روز به نقطه انفجار نزدیک‌تر می‌شود. جهانی که در آتش مظالم بی‌رحمانه نژادی و مذهبی می‌گدازد و در فریب آراء و افکار و مرام‌های باطل و نادرستی که جایگزین پرستش خدای بی‌همتا و تعالیم و احکام مقدسش گشته سرگشته و سرگردان است.

جهانی که با مفاسد و انحطاطات اخلاقی که شدیداً در آن رخنه نموده پایه و بنیادش پوسیده و در حال فروریختن است و در دام هرج و مرج و کشمکش‌های اقتصادی در بند است. این تحولات و انقلاباتی که امروز در جهان ما است همه در نتیجه نفوذ همان قوه غالبه نافذه الهیه است که حال با آن که بدایت کار است چنین حیات عالم انسان را منقلب و دگرگون ساخته و می‌سازد.

چنین منظره غم‌انگیز و تأثرآمیزی که در مقابل ما است لابد هر ناظری را که از مقاصد و پیش‌گوئی‌ها و مواعید حضرت بهاءالله بی‌خبر است متحیر و مبهوت می‌سازد. اما هرگز پیروانش را به یأس و حرمان دچار ننماید و مساعی و مجهوداتشان را از کار نیندازد بلکه ایمانشان را راسخ‌تر و شوق و ذوقشان را بیشتر کند تا قیامی شدیدتر نمایند و در میدان وسیعی که قلم حضرت عبدالبهاء برایشان طرح و ترسیم فرموده کمر همت بر بندند و در انتشار پیام نجات‌بخش حضرت بهاءالله حتی القوه سهم خویش را ادا نمایند و باید هر وسیله‌ای که چند سال است با زحمت و مشقت در دستگاه تشکیلات خویش ساخته‌اند کاملاً به کار گیرند و آن را وسیله اجراء مقاصدی سازند که آن وسائل از برای تحققش

خلق شده‌اند و مشرق‌الاذکار نیز که مظهر نادر روح فداکاری و جانفشانی یاران است باید نقش خویش را بازی کند و در نهضت تبلیغ که باید در سراسر نیمکره غربی گسترش یابد سهم خویش را ادا نماید.

همچنین فرصت‌هایی که آشوب‌ها و آشفتگی‌های این زمان در پیش ما نهاده است با همه غم‌هایی و هول و هراسی و یأس و حرمانی و سرگردانی و خشم و غضب و طغیانی که برمی‌انگیزد، با همه ناخشنودی و شکوه‌هایی که بیار می‌آورد، با همه جستجوها و تلاشی که برای یافتن راه حل مشکلات ایجاد می‌کنند باید از دست رود بلکه باید، از همه این فرصت‌ها استفاده نمائیم و آنها را برای اعلان و انتشار نیروی نجات‌بخش امر حضرت بهاء‌الله و ازدیاد عدد سپاهیان روزافزون پیروانش به کار گیریم زیرا دیگر شاید چنین فرصت گرانبهائی و تقارن چنین اوضاع و احوال مساعدی هرگز به دست نیاید. حال وقت آن است که بهائیان امریکا، آن علمداران سپاه اسم اعظم از راه تشکیلات مخصوصه نظم اداری ندا برآورند و اعلان کنند که مهیا و آماده‌اند برخیزند و بکوشند تا مردمان درمانده و خسته و ناتوان عصر حاضر که به محاربه با خدا برخاسته و از اندازات الهی غفلت نموده‌اند نجات یابند و امن و امانی را که فقط در حصن حصین امر بهائی می‌توان یافت بر جمیع خلق عرضه دارند.

لذا نهضت کنونی تبلیغی که در امریکا و کانادا آغاز گشته چنان فوریت و اهمیت دارد که تصورش را نتوان کرد زیرا نهضتی است که با کلمه خلاقه الواح و صایای حضرت عبداله‌آغاز گشته و با همان قوه محرکه سراسر نیمکره غربی را فرا گرفته است و باید به نحوی به آن پرداخت که با اصولی که جهت تضمین اجرای مؤثرش و وصول سریع به اهداف عالی‌اش وضع شده موافق و مطابق باشد.

کسانی که در این نهضت تبلیغی شرکت دارند چه آنان که وظیفه‌شان تنظیم و مدیریت آن یا خدمت در اجرای اهدافش می‌باشد همگی باید پیش از هر کار خود را با جنبه‌های متنوع تاریخ و تعالیم امر الهی به خوبی آشنا سازند، در این راه باید با دقت و آگاهی تمام به مطالعه آثار شریعت مقدسه خویش پردازند و در تعالیمش غور و تحقیق کنند و مبادی و احکامش را جذب خود نمایند و در تذکرات و اهداف و اصولش تفکر و تعمق کنند و برخی از بیانات و مناجات‌هایش را به حافظه بسپارند و در اصول تشکیلات اداریش کاملاً تجرّیب‌یابند و همواره از وقایع و تحولات جاریه با خبر باشند. همچنین باید با مساعدت منابع و مآخذی موثق و بی‌تعصب از تاریخ و اصول دین اسلام یعنی زمینه و منشأ امر مقدسشان اطلاع صحیح یابند و با تکریم و خضوع و فارغ از هر نوع پیشداوری به مطالعه قرآن پردازند که غیر از آثار مقدسه ظهورات بابی و بهائی یگانه کتاب مستندی مشتمل بر کلمات الهیه است و نیز باید در

اوضاع و احوالی تحقیق کنند که با اصل و ظهور امر الهی و مقام و دعوی مبشر اعظمش و احکام صادره از قلم اعلایش ارتباط مستقیم دارد.

و چون این شرایط که رمز موفقیتشان در میدان تبلیغ است اصولاً بدست آمد باید حتی الامکان قبل از آن که به مأموریت خویش در ممالک امریکای لاتین قیام نمایند، زبان آن ممالک را تا حد ممکن بیاموزند و از فرهنگ و عادات و آداب مردم آن کشورها با خبر گردند. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح تبلیغی با اشاره به جمهوریات امریکای مرکزی می فرماید: «همچنین نفوسی که به آن صفحات می روند باید به لسان اسپانیولی، مألوف باشند» و در لوح دیگر چنین می فرماید: «جمعی زبان دان... توجه به سه دسته جزائر عظیمه دریای پاسیفیک نمایند» و نیز می فرماید: «مبلّغین که به اطراف می روند باید لسان هر مملکتی که داخل می شوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که به لسان چینی ماهر به مملکت چین بشتابد و علی هذالمناول.»

احدی از یاران که در نهضت تبلیغی در ممالک امریکای شمالی و جنوبی خدمت می کنند هرگز نباید چنین پندارد که هر نوع ابتکار و اقدام مخصوصی در این سبیل باید منحصرأ از طرف مؤسّسات امریه از قبیل محافل روحانیّه و لجنات باشد که توجّهشان معطوف به ترویج و تسهیل وصول به اهداف نقشه هفت ساله است بلکه وظیفه و تکلیف شدید فرد بهائیان امریکا یعنی امناء نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء اینست که هر یک تحت اصول اداری امرالله هر نوع خدمتی را که برای پیشرفت نقشه هفت ساله مناسب می داند و در حدّ استعداد خود می شمارد آغاز کند و به ترویجش مبادرت ورزد و طالبان مهاجرت و تبلیغ را هیچ چیز حتی وخامت اوضاع جهان یا فقر منابع مادی یا فقدان استعدادات معنوی یا قلت علم و تجربه که وجود همه ممدوح و مقبول است هرگز نباید از قیام در آن میدان باز دارد و از قوه ای محرومشان سازد که بنا به بیانات مکرره حضرت عبدالبهاء چون شامل حال شود مغناطیس تأییدات موعوده حتمیه حضرت بهاءالله گردد و امداد و نصرتشان نماید. آن نفوس مبارکه هرگز نباید منتظر بنشینند که نمایندگان منتخبه جامعه دستوری به آنان دهند یا تشویقشان کنند، هرگز نباید موانعی که اقوام و خویشانان و دوستان هم وطنشان احیاناً پیش راهشان می نهند از خدمت منصرف گردند. حضرت بهاءالله خطاب به هر کس که بر تبلیغ امرش قیام نماید چنین می فرماید:

«مثل اریاح باش در امر فالح الاصباح چنانچه مشاهده می نمائی که اریاح نظر به مأموریت خود بر خراب و معمور مرور می نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون. نظر به مأموریت خود داشته و دارد.» و در مقام دیگر می فرماید:

«و اذا اراد الخروج من وطنه لامر ربه يجعل زاده التوكل على الله و لباسه التقوى... اذا اشتعل بنا الحب و زين بطراز الانقطاع يشتعل بذكره العباد».

آن که بصرافت طبع و بی پروا از موانعی که دوست یا دشمن دانسته یا ندانسته در راهش می نهد با عزمی راسخ بر تبلیغ امرالله قیام می کند باید با کمال دقت بسنجد که چه طریقی را بپیماید تا جهد و کوشش شخصی او منجر به جلب توجه و حفظ علاقه و تقویت ایمان کسانی شود که می خواهد تبلیغشان نماید. باید تحقیق نماید تا که در اوضاع و احوال محل سکونتش چه فرصت های مفیدی موجود است از روی فکر و اندیشه و با نظم و ترتیب آنها را برای حصول مقصد و هدفش بکار برد. باید همچنین روش های متنوعی را در پیش گیرد مانند عضویت در کلوب ها، شرکت در نمایشگاه ها و انجمن ها و ایراد نطق های با موضوع هایی که به مبادی امرالله مطابقت دارد از قبیل اعتدال، اخلاقیات، رفاه اجتماعی، مدارا و بردباری مذهبی و تسامح نژادی، همکاری اقتصادی، اسلام و تطبیق و مقایسه ادیان یا در انجمن ها و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و انسان دوستانه و سازمان های خیریه و تعلیم و تربیت شرکت نماید که همه در عین حال که اصالت امرالهی را محفوظ می دارد نیز سبب می شود راه های متعدد و وسائل گوناگونی را در اختیارش بگذارد تا از آن راه ها بتواند متدرجاً تربیت و حمایت و بالاخره اقبال و ایمان نفوس را تأمین نماید. و در هر کوشش تبلیغی باید پیوسته متوجه و واقف باشد و در همه حال بیاد آورد که پیوسته جلال و وقار و مقام اعلاهی امرالهی را محفوظ دارد و جامعیت احکام و اصولش را مراعات کند و جهانی بودن و عمومیتش را نمایان سازد. و از مصالح متعدده حیاتیش با غیرت و شجاعت دفاع نماید.

باید بسنجد که مستمعین به چه مقدار گوش شنوا دارند تا معلوم گردد که باید از طریق مستقیم یا غیر مستقیم امرالله را به آنان ابلاغ نماید تا طالبان حقیقت را از اهمیت حیاتی امرالهی با خبر گرداند و آنان را بر پیوستن به مقبلین و مؤمنین راغب سازد باید مثل اعلائی را که حضرت عبدالبهاء مقرر و نصایحی را که مکرر بیان فرموده همواره بخاطر آورد با طالبان حقیقت در جمیع اوقات با محبت رفتار نماید و روح تعالیمی را که امیدوار است در قلوبشان القاء نماید چنان در گفتار و کردار خود نمایان سازد تا آنان را برانگیزد، تا خویش را به طیب خاطر با دیانتی که چنان تعالیم مبارکی را در خود تجسم بخشیده پیوند دهند. باید در بدایت بر احکامی اصرار نورزد که ممکن است بر طالب حقیقت که تازه به ایمان فائز گشته تحمیل لایطاق باشد بلکه باید بکوشد که او را با صبر و حکمت و استقامت پرورش دهد و به رتبه بلوغ رساند و او را مدد کند تا ایمان و اطاعت محضه خود را از آنچه از قلم حضرت بهاءالله صادر گشته علناً اعلام نماید و چون به آن مقام رسید او را به جامعه پیروان امرالله معرفی نماید و با دوستی و

محبت دائم و شرکت در خدمات جامعه محلی او را قادر سازد که در جمیع اوقات سهم خویش را در حیات جمع اهل بهاء و پیشرفت مقاصدش و تحکیم مصالحش ادا نماید و در هماهنگی مجهودات جامعه بهائی با جوامع دیگر شرکت جوید. و شخص مبلغ تا در فرزند روحانی خویش چنان شوقی ندمد که او را مستقلاً بر خدمت امرالله برانگیزد تا بنوبه خود قوایش را صرف هدایت سایر نفوس نماید و به موجب احکام و مبادی دین جدیدش عامل گردد هرگز قانع و خرسند نشود.

هرکس که در این نهضت تبلیغی که یاران امریکا آغازش کرده اند شرکت دارد مخصوصاً کسانی که مهاجرت به نقاط بکر کرده اند باید متوجه باشند که باید با تشکیلات اداری جامعه که مخصوص رهبری و هماهنگی و تسهیل خدمات تبلیغی به وجود آمده ارتباط نزدیک و پیوسته‌ای داشته باشند و در خدماتشان در ترویج و اشاعه امر حضرت بهاءالله با هیأت منتخبه ملی یا مؤسسات تابعه‌اش لجنه ملی تبلیغ و دوائر منتسبه یا محافل روحانی محلی و لجنات تبلیغشان مرتبط گردند و به واسطه مکاتبات یا متحدالمآله، گزارش‌ها یا نشریه‌های خبری یا وسائل دیگر ارتباطی سعی نمایند تا دستگاه تبلیغی نظم اداری به کمال آرامش و سرعت به کار افتد و به این طریق از هر نوع آشفتگی و ابهامی و تعویق و تأخیری و عمل زائد و مکرری و اتلاف جهد و کوششی به کلی جلوگیری شود باران بی حساب فضل و عنایت حضرت بهاءالله سیل آسا از مجاری تشکیلات بهائی بدون کمترین مانعی چنان بر مزرعه دل و جان مردمان جاری گردد که حاصل پربرکتی که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده است به دست آید.

در این قیام مشترک و جمعی تبلیغی که در تاریخ جامعه بهائی امریکا بی سابقه است هرکس که در آن شرکت نماید باید امر جلیل تبلیغ را که وظیفه عمومی جمیع بهائیان است بزرگترین امر حیات خویش شمارد و هر کس که حامل پیام حضرت بهاءالله است در فعالیت‌ها و تماس‌های روزانه‌اش و در طول سفرهای کاری و معمولیش، در هنگام گردش یا اوقات تعطیلاتش و در هر وظیفه‌ای که باو محول گردد باید وظیفه بلکه افتخار خویش بداند که بذر هدایت را در همه جا پراکنده سازد و از این مطمئن باشد که از قبول یا رد مردم و ضعف و ناتوانی خود که حامل آن پیام جانبخش است نهراسد زیرا هر چه باشد باید مطمئن باشد که مشیت غالبه و قدرت فائقه حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی آن بذرهای طیبیه را سرسبز گرداند و در اوضاع و احوالی که بر هیچ کس معلوم نیست خرمی را که محصول تخم‌های افشاندن پیروان او است بارور نماید و حاصلی پرثمر و پربرکت به آنان عطا فرماید و همچنین اگر چنان کسی عضو محفل روحانی باشد باید به محفل خویش متذکر گردد که قسمتی از اوقات خویش را در هر جلسه در نهایت توجه و تبتل و اخلاص حصر در این مشورت نمایند که چه راهی را در پیش گیرند و به چه وسائلی تشبث جویند که سبب رونق تبلیغ شود و منابعی که برای ترقی و توسعه و

تقویتش موجود است فراهم آید. و نیز اگر چنان کسی در مدرسه تابستانه شرکت جوید (مدرسه‌ای که جمیع را باید بدون استثناء تشویق کرد که در آن حاضر باشند) باید چنین فرصت مبارکی را غنیمت شمارد و با استفاده از نطق‌ها و خطابات و مطالعات و بحث و فحص معلومات خویش را تقویت کند تا با اعتماد و تأثیر بیشتری بتواند پیام مبارکی را که با خود دارد به دیگران منتقل نماید. و نیز باید هر وقت بتواند به سفرهای بین جوامع بهائی پردازد و در آن‌ها ذوق و شوق تبلیغ بدمد و به بیگانگان نشان دهد که مروجین امرالله چقدر هوشیار و فطن و پرشورند و مؤسساتشان اصولاً به چه مقدار متفق و متحد.

هر کس که در این جهاد روحانی که جمیع نژادها و جمیع جمهوریات و طبقات و مذاهب نیکه‌گر غربی را در بردارد شرکت نماید باید در وقت مساعد توجه خویش را معطوف به هدایت نژاد سیاه و سرخ پوستان و اسکیموها و یهودیان نماید و آنرا در زمره بندگان ثابت قدم امر اعظم در آورد. حال هیچ خدمتی به آستان الهی خوشتر و شایسته‌تر از این نیست که کسی موفق گردد با ازدیاد عدد مؤمنین از آن نژادها بر تنوع جامعه بهائیان سراسر قاره آمریکا بیفزاید. اختلاط این عناصر بسیار متفاوت نوع بشر، که در نسج اخوت عمومی بهائی بهم بافته و با قوه محرکه نظم اداری الهی مجذوب و ممزوج یکدیگر شده باشند و هر یک از آن عناصر سهم خویش را در افزایش غنا و جلال حیات بهائی ادا کرده باشد، یقیناً موفقیتی خواهد بود که حتی تصورش باعث دلگرمی و سرور هر یک از احباء خواهد شد. حضرت عبداله‌اء در لوحی چنین بیان فرموده‌اند:

«ملاحظه نمائید گل‌های حدائق هرچند مختلف‌النوع و متفاوت‌اللون و مختلف‌الصّور و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد، اگر حدیقه‌ای را گل‌ها و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد به هیچ‌وجه لطافتی و حلاوتی ندارد ولکن چون الوان و اوراق و ازهار و اثمار گوناگون باشد هر یکی سبب ترین و جلوه سائر الوان گردد و حدیقه انیقه شود و در نهایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوه نماید و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظلّ قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود الیوم جز قوه کلمه‌الله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند» و در مقام دیگری فرماید:

«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید.» و در لوح مبارک دیگری می‌فرماید:

«یکی از اصول مهمه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین افراد سیاه و سفید است» و در الواح تبلیغی چنین آمده است:

«اهالی اصلی امریکا یعنی هندی‌ها را بسیار اهمیت دهید زیرا این نفوس مانند اهالی قدیمه جزیره العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم و حوش داشتند چون نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان را روشن کردند و همچنین این هنود اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبه‌ای نیست که به تعالیم الهی چنان روشن گردند که آفاق را روشن نمایند». و نیز می‌فرماید:

«اگر ممکن است مبلغین به سایر ولایات کانادا ارسال دارید و همچنین به گرین‌لند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید» و در همان الواح مقدسه مذکور:

«بلکه انشاءالله نداء ملکوت‌الله به مسامع اسکیموها ... برسد... اگر همتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد» و همچنین می‌فرماید:

«الحمدلله آنچه در الواح به اسرائیل تبشیر فرموده‌اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقق است بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت، جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده‌اند که ایام ذلت اسرائیل گذشت ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله روز به روز ترقی خواهد نمود و از نحوودت و مذلت هزاران سال خلاصی خواهد یافت».

کسانی که در تشکیلات به عنوان اعضاء محافل روحانیه ملیّه و لجنه‌های ملی، ناحیه‌ای یا محلی خدمت می‌کنند باید همواره این وظیفه خطیر و فوری را بیاد داشته باشند که در اندک زمانی ضروری است که در بقیه ایالات کشور امریکای شمالی و ولایات کانادا جمعیت‌های بهائی ولو آنکه ضعیف و ابتدائی و محدود باشند تشکیل شود و حتی القوه بکوشند این مراکز اساسی جدیدالتاسیس بسرعت و با اتقان به محافل مستقل و کارآمد که رسمیت هم داشته باشد تبدیل گردد. چنین بنیانی را بنیاد نهادن و چنین پایگاهی را بنا کردن اگر چه بسیار صعب و مشکل است اما بسیار لازم و روح بخش است لهذا افراد جامعه بهائی امریکا باید در این سبیل به حمایت بلاوقفه و پرشور و بی‌درنگ خویش قائم گردند زیرا تصمیمات محافل ملیّه هر قدر حکیمانه و عملی و همراه با نقشه‌های دقیق باشد تا عده کافی مهاجرین حاضر به فداکاری نباشند و برآراء این طرح‌ها قیام نمایند آن همه تصمیمات و نقشه‌ها هرگز نتیجه‌ای نبخشد. به یقین چنین است که افراشتن علم حضرت بهاءالله در قلب این نواحی بکر و ارتفاع بنیان نظم اداریش در شهرها و قصبات و تأسیس لنگر گاهی مستحکم و دائم برای مؤسّسات عالی‌اش در قلوب و ارواح ساکنان آن مناطق به منزله اولین و مشهودترین قدم لازم برای طیّ مراحل باقیه نهضت تبلیغی در

ظلاً نقشه هفت ساله محسوب است و از طرف دیگر در حالیکه تزئینات خارجی مشرق‌الاذکار که از اهداف همان نقشه است به مرحله آخر رسیده جهاد تبلیغی هنوز در مراحل اولیه است و هنوز در نقاط بکر و کشورهای امریکای جنوبی نتوانسته است چنانکه باید مؤثر افتد. بلی همت و مجاهدتی که در این سیل لازم است بسیار صعب و دشوار است و شرایطی که لازمه بنای چنان تأسیسات اولیه است بسی نارسا است و نفوسی که قادر بر قیام به چنین خدمت عظیم اند بس قلیل و منابعشان بسیار محدود و غیر کافی اما مکرر در مکرر بیانات حضرت بهاء‌الله به امثال این بیانات مبارکه به ما اطمینان بخشیده که:

«لو یقوم واحد علی حبّ البهاء فی ارض الانشاء و یحارب معه کلّ من فی الارض و السماء لیغلبه الله علیهم اظهاراً لقدرته و ابرازاً لسلطنته» آیا این وعده صریح و اطمینان بلیغ از قلم ملهم جمال قدم جل اسمه الاعظم نازل نشده که می‌فرماید

«فوالله الذی لا اله الا هو لو یقوم واحد منکم علی نصره امرنا لیغلبه الله علی مائة الف ولو ازداد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض» در این مقام حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«در اسلاف ملاحظه نمائید که در ایام مسیح نفوس مؤمن ثابت معدود قلیلی بودند ولی چنان برکت آسمانی نازل شد در سنین معدوده جم عظیمی بظلم انجیل درآمدند، در قرآن می‌فرماید که یک حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد یعنی یکدانه هفتصد دانه گردد و خداوند اگر بخواهد مضاعف می‌فرماید چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت مملکتی شد حال نظر به استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم بلکه نظر به عنایت و فیوضات الهیه در این ایام نمائیم که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید».

آنان که عزم راسخ دارند که اولین کسانی باشند که علم چنین امر عظیمی را در کشورهای مذکور بلند نمایند از این کلمات جانبخش زنده می‌شوند که فرموده «جوشن محبتش را در بر کنند» محبتی که چون یکه و تنها قیام کنند شدتش بیشتر گردد و داستان اعمالشان صفحات تاریخ روحانی کشورشان را بیش از همیشه زینت بخشد.

در این مقام حضرت عبدالبهاء در منشور ملکوتی تبلیغ می‌فرماید: « هر چند در اکثر مدائن ایالات متحده الحمد لله نفحات الله منتشر و جم غفیری به ملکوت الله متوجه و ناظر ولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند نگشته و اسرار کتب الهیه منتشر نگردیده باید به همت یاران علم توحید در آن دیار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آنان را نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود». نیز در لوحی دیگر چنین فرموده: «اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و

حوادثش بی‌نهایت جلیل مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد» و در همان لوح مبارک باز این وعده مبارکه را تأکید کرده می‌فرماید: «مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت».

و چون این قدم اول که متضمن تشکیل اقلای یک هسته مرکزی در هر یک از ایالات و ولایات قاره امریکای شمالی است برداشته شد باید تشکیلاتی که برای تشدید و توسعه مساعی متحده بهائیان امریکا بوجود آمده متوجه تحکیم مجهودات مشکوره‌ای گردد که حال معدودی از افراد مهاجر در نقاط منفرد مبذول می‌دارند تا به هدایت ملت‌های امریکای لاتین به ندای حضرت بهاء‌الله توفیق یابند و تا این دوّمین مرحله نهضت تبلیغ در طی نقشه هفت ساله طی نشود نمی‌توان گفت که نقشه هفت ساله کاملاً آغاز گشته و به مرحله قاطع و مهمّ تکاملش رسیده است و اگر بر آن مهمّ قیام نمایند باران تأیید بر آن جامعه دلیر چنان شدید بارد و آنان را که در دایره تشکیلات اداریش به بنیان رفیع مشرق‌الاذکار توفیق یافته و به تزئینات پرشکوه خارجیش پرداخته و در میدان تبلیغ پرچم امرالله را در جمیع ایالات امریکای شمالی موج ساخته چنان مؤید سازد که افراد آن جامعه خود از شواهد شامله تائیدات ملاء اعلی متعجب و حیران گردند.

لجنه تبلیغ قاره امریکا در چنان مرحله خطیری حتی قبل از آن باید از فرصت‌های موجوده استفاده کند و به جد تمام و با توحید مساعی و با همّتی مطابق با مسئولیت‌هائی که بر دوش دارد در ایفای وظائف خویش دلیرانه سعی و کوشش نماید و هرگز از خاطر نبرد که ممالک امریکای مرکزی و جنوبی مشتمل بر بیش از بیست کشور مستقل یعنی تقریباً ثلث تعداد تمام ممالک مستقل جهان است که به حکم تقدیر مقرر است که سهم روزافزون مهمّی را در سرنوشت آینده جهان ایفاء نمایند و حال که جهان به سوی وحدت حرکت می‌کند و منافع و مقررات نژادها و ملل و مردمش به هم بافته و مرتبط و ممزوج می‌گردد دیگر فواصل بین کشورهای نیکرہ غربی را وجهی نمی‌ماند و امکانات و استعدادات نهفته در هر یک از آن ممالک هر روز نمایان‌تر می‌شود.

و چون دوّمین مرحله فعالیت و مجهودات تحت نقشه هفت ساله طی جریان دائم التقدّمش تحقق پذیرد و چون تشکیلاتی لازم برای اجرائش به وجود آید آن وقت است که احبای امریکا که پیشاهنگان غیور این نهضت جلیل‌اند باید در پرتو هدایت انوار تابناک اسم اعظم و طبق نقشه ملکوتی حضرت عبداله‌بهاء و در سایه رهبری محفل روحانی ملی و مساعدت حتمی لجنه تبلیغ قاره امریکا قیامی عاشقانه نمایند و بر صف قوای ظلمت و فساد و جهالت زند و این چهار روحانی به اقصی نقطه قاره امریکای جنوبی در همه بیست کشور آن منطقه اتّسع دهند.

سزاوار چنان است که در این لحظه خطیر جمعی از یاران دامن همت بر کمر زنند و از شهر و دیار و کشور خویش هجرت نمایند و به مصداق آیه «ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التوکل علی الله» با توشه توکل متوجه و عازم آن نقاط بعیده و بکر و غیر مفتوحه گردند و مجاهدت نمایند تا قلعه‌های مستحکم قلوب مردمان را به مصداق «انها یسخر به جنود الوحی و البیان» بگشایند. منتظر نشینند تا یاران و یاورانشان که قبل از ایشان به تبلیغ و مهاجرت قیام کرده‌اند مرحله نهضت تبلیغی را اول طی نمایند بلکه از همین ساعت برخیزند تا مرحله دوم را که درخشان‌ترین فصل تاریخ بین‌المللی امر مبارکشان است آغاز نمایند و در این رهگذر باید اول به تبلیغ خویش پردازند و به این بیان حضرت بهاء‌الله ناظر باشند که می‌فرماید: «ومنکم من اراد ان یبلغ امر مولاه فلینبغ له به ان یبلغ نفسه ثم یبلغ الناس لیجذب قوله قلوب السامعین» باید ظفر و نصرت امرالله را نصرت خویش دانند چنان که می‌فرماید «یجعل همه نصره الامر فی کل الاحوال» باید به این بیانات مبارک ناظر باشند که «اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر به کوچک و بزرگی ظروف باشد». و نیز من اراد التبلغ ینبغ له ان ینقطع عن الدنیا» باید با همان روح انقطاعی که حضرت عبداله‌اء مثل اعلاش بود قیام نمود و مردم مختلف آن ممالک را به ذکر الهی و معرفت مظهر ظهورش جلب و جذب کرد.

در آن روز که به فرموده مبارک «یوم ارتعشت الارکان و اقشعرت الجلود و شاخصت الابصار» باید نار موقده الهیه را در دل و جانیشان چنان فروزان دارند که دریا‌های عالم از اطفائش عاجز باشد. باید چون «هوا خفیف گردند» و به مثابه نسیم شوند «که بر خراب و معمور مرور می‌نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون» و در این سبیل آنچه را که روح القدس بر زبانشان جاری ساخت القاء نمایند»

در تبلیغ باید از مجادله پرهیزند و به لسان شفقت جذاب قلوب گردید. چنانکه می‌فرماید ایا کم ان لاتجاد لوامع نفس بل ذکرها یا لبیان الحسنه الموعظة البالغه» و این بیان مبارک را همواره بخاطر آورند که «الله تبلیغ امر نمائید با عراض و اقبال ناظر نباشند بلکه ناظر به خدمتی که به آن مامورید من لدن الله» و هرگز فراموش نکنید که فرموده است «ان الدین هاجر ومن اوطانهم لتبلیغ الامر یویدهم الروح الامین و یخرج معهم قبیل من الملائکه من لدن عزیز علم» و از این بیان مبارک مسرور باشند که «طوبی لمن فاز بخدمة الله» و اعظم خدمت تبلیغ است که در باره‌اش فرموده «انه لسید الاعمال و طرازها»

چه خوش است که این کلمات روح بخش حضرت بهاء‌الله را در خدمات تبلیغی خویش در سراسر امریکای جنوبی ورد زبان و مرهم جانیشان سازند که می‌فرماید: «ان یا ایها المسافر الی الله خذ نصیبک من هذا البحر و لاتحرم نفسک عما قدر فیه... و لویرزقن کل من فی السموات و الارض بقطرة منه لیغنین

فی انفسهم بغناء الله المقتدر العليم الحكيم خذ بيد الانقطاع غرقه من هذا البحر الحيوان ثم رشح منها على الكائنات ليظهرهم عن حدودات البشر و يقربهم بمنظرالله الاكبر هذا المقر المقدس المنير و ان وجدت نفسك وحيداً لاتخزن فاكف بربك... بلغ امر مولاك الى كل من في السموات و الارض ان وجدت نفسك وحيداً لاتخزن فاكف بربك... بلغ امر مولاك الى كل من في السموات و الارض ان وجدت مقبلاً فاطهر عليه لئالى حكمة الله ربك فيما القاك الروح و كن من المقبلين و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوكل على الله ربك و رب العالمين تا لله الحق من يفتح اليوم شفته في ذكر اسم ربه لينزل عليه جنود الوحي عن مشرق اسمي الحكيم العليم و ينزلن عليه اهل ملاء الاعلى بصحائف من النور كذلك قدر في جبروت الامر من لدن عزيز قدير».

و نیز چون قیام بر انتشار امرالله نمایند چه نیکو است که این بیانات حضرت عبدالبهاء را در منشور ملکوتی تبلیغ آویزه گوش هوش سازند که می فرماید، «ای حواریون بهاءالله روحی لكم الفداء... ملاحظه نمائید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلى مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است»... الآن به یاد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است البته به درجهئی فرح و سرور یابید که کل مفتون یکدیگر گردید». «حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره های دری درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل آمریک شدید». «امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد». «البته عون و عنایت آلهیه به شما خواهد رسید و قوای آلهیه و نفثات روح القدس تأیید شما خواهد کرد». «نظر به قلت خویش و کثرت اقوام نمائید». «این کار عظیم است اگر به آن موفق شویم. تا آمریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد».

باید به یاد آورد که هدف تبلیغ در نقشه هفت ساله جز این نیست که اقل در هر یک از ممالک امریکای مرکزی و جنوبی لا اقل یک مرکز بهائی تشکیل شود.

و موفقیت نقشه هفت ساله مستلزم آن است که چون زمان یکصدمین سال ظهور امر بهائی فرا رسد در هر یک از آن ممالک پایه و اساسی استوار شده باشد تا احباء امریکا بر آن اساس هر چند ناقص و ضعیف باشد بتوانند در سال های اولیه قرن ثانی دور بهائی بنیان رفیعی را بنا کنند.

و بر آنان است که طی عقود متتابعه یعنی ده سال های آینده آن مراکز اساسیه را استحکام بخشند و هدایت و تشویق و اعانت نمایند تا جمعیت های پراکنده در آن نقاط بر تاسیس محفل روحانی مستقل محلی

موفق شوند ارکان نظم اداری بهائی را پی افکنند. بنای ارکان چنان بنیانی در وهله اول درمسئولیت بهائیان نورسیده و جدیدالاقبال در آن کشورهاست و چنین اقدامی گذشته از اینکه جمعیت های بهائی را به محافل روحانی محلّی تبدیل می کند مستلزم آن است که تشکیلات نظم اداری بهائی در همه جا طبق اصول روحانی و اداری که جزئی از حیات هر جامعه بهائی در سراسر عالم است به وجود آید و به کار افتد و از آن اصول مهمّه واضحی که در قانون اساسی محافل روحانی ملی و محلّی مدوّن و در جمیع جامعه های بهائی معمول است هرگز عدول و تخطی روا ندارند و البتّه این امر مربوط به آینده یعنی وقتی است که آن محافل تأسیس شده و تمکین یافته باشد.

استقرار اساس و پایه های لازم متین به نحوی منظم و منسجم (سیستماتیک) و در کمال اتقان و استحکام برای بنای محافل روحانیه ملی و محلّی امری است که به زودی توجّه مجریان نقشه هفت ساله را به خود جلب خواهد کرد و حال چون وظیفه فوری آنان یعنی فتح چند نقطه باقیه در امریکا و کانادا به انجام رسد باید طرحی دقیق تدبیر شود که هدفش تحقق چنان اساسی گردد. چنانکه مرقوم شد تعبیه وسائل چنین خدمت عظیم و مقدماتی وسیعی در سراسر جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی سرنوشت نهضت تبلیغی در طی نقشه هفت ساله را معین می سازد و توفیق در آن نهضت عظیم نه فقط موقوف به قیام عاشقانه یاران در اجراء اهداف نقشه مذکور است بلکه بسته به آن نیز هست تا در مراحل آینده اش هر روز بیشتر آنچه را که حضرت عبدالبهاء برای بهائیان امریکا در انتشار امرالله در سراسر جهان آرزو فرموده است مجری و متحقق گردد.

جمیع آن اقدامات که نسبت به مساعی جلیله و مجهودات منظمه نسل های آینده بهائی در امریکای لاتین به منزله مقدمه ای بیش نیست، مستلزم آن است که محفل ملی امریکا و لجنه ملی تبلیغ قاره امریکا بی درنگ در باره اعزام مهاجرین و مبلغین سیار که مفتخر به ارتفاع ندای ظهور عصر جدید در آن قاره جدیدند تحقیق کنند و تدابیری بیندیشند.

نظر به اشتیاقم در معاضدت آن خادمان فداکار جانفشان که مسئولیتی سنگین بر دوش دارند به ذکر چند نکته مفید می پردازم که امیدوارم کارهای بزرگی را که در آینده نزدیک در پیش دارند تسهیل نماید. در اجراء و اکمال آن خدمات مهمّه تاریخی لازم و واجب است که قوای فرد فرد جامعه کاملاً متحداً تجهیز گردد بر تعداد مبلغین ساکن و سیار بسیار بیفزاید و منابع مادی تحت اختیارشان مضاعف و با کفایت اداره شود. آثار و نشریاتی که باید با آن مجهز باشند تکثیری وسیع یابد و اعلاناتی که یاران را در پخش و انتشار آثار مساعدت می نماید ازدیاد پذیرد و از طرف هیأتی مرکزی با سعی و مجاهدت اداره شود و از امکاناتی که در آن ممالک نهفته است با هوشیاری و فراست استفاده شود و آن

امکانات منظمأً توسعه يابد. موانع و مشکلات متنوع سياسي و اجتماعي موجود در آن ممالک بايد مورد مطالعه قرار گيرد و از پيش راه برداشته شود. خلاصه کلام آنکه هيچ فرصتي را نبايد از دست داد و از هيچ کوششي فروگذار نبايد کرد تا براي ترقي و پيشرفت بزرگترين نهضت تبليغي که تا به حال جامعه بهائي امريکا تعهد کرده‌اند پايه‌هاي وسيع و مستحکمي برجاى نهاده شود.

ترجمه دقيق آثار مهمه مربوط به تاريخ و تعاليم و نظم اداري بهائي و نشر و توزيع منظمشان بايد به مقداري وسيع و در جمهوريات قاره امريکاي لاتين صورت پذيرد و فوريت يابد تا با ورود مهاجرين در آن ميدان مقارن و همزمان باشد. حضرت عبدالبهاء در يکي از الواح نقشه ملکوتي تبليغ مي‌فرمايد «کتب و رسائلي به لسان هاي اين ممالک و جزائرياً ترجمه نمايند و يا تأليف کنند و در اين ممالک و جزائر نشر دهند». در کشورهاي که مصادر امور يا صاحبان نفوذ مخالف نباشند بايد با نوشتن نامه‌ها و مقالات مناسب در انواع جرائد کار طبع کتب و آثار را تقويت نمود تا انظار عامه و افکار عمومي را به برخي از جنبه‌هاي تاريخ هيچانگيز امر بهائي و وسعت و عظمت مقامش جلب و متوجه ساخت.

هر خادمي که قائم در ميدان خدمت است، چه مهاجر و چه مبلغ سيّار، بايد همواره در نظر داشته باشد که با جميع اهالي هر مملکتی از همه طبقات و مذاهب و نژادها با کمال الفت و محبت معاشر و محشور باشد و خویش را با افکار و ذوق و عاداتشان آشنا سازد و طريقي مناسب حال آن مردم را تفحص و تجسس کند و با صبر و حوصله و در نهايت حکمت قواي خود را صرف در معدودي از طالبان حقيقت نمايد که داراي استعداد و قلوبي طاهرند و با کمال مهرباني و محبت بکوشد نهال محبت و غيرت و انجذاب را در قلوبشان بنشانند چنانکه خود از عهده امور خویش برآيند و مستقلاً به ترويج امرالله بين مردم مستعد هر محل پردازند. حضرت بهاءالله چنين نصيحت فرموده: «اي اهل بهاء با جميع اهل عالم به روح و ريحان معاشرت نمايد اگر نزد شما کلهه و يا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القاء نمايد اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را به او گذاريد و در باره او دعا نمايد نه جفا لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و به مثابه معاني است از براي الفاظ و مانند افق است از براي اشراق آفتاب حکمت و دانائي».

همچنين بايد که ياران چه اعضاء تشکيلات بهائي و چه نفوسي که قصد قيام به تبليغ دارند بل جميع افراد بهائي که از موهبت سفر و مهاجرت به آن ممالک محرومند کلّ مترصد باشند تا از هر فرصت استفاده نمايند که با نفوسي از اتباع آن ممالک يا با کساني از هر ذوق و مشرب که به نحوي با آن کشورها مربوطند آشنائي حاصل کنند و آتش طلب را در دل آنان برافروزند احبّاي امريکا با ابراز محبت حقيقي و انتشار آثار و ايجاد هر رابطه ديگري مي‌توانند در آن نفوس مستعده بذر هدايت پيفشانند، تا در

آینده سرسبز شود و حاصلی غیر منتظره به بار آورد اما در این راه باید با نهایت دقت مواظبت نمایند که مبادا از شوقی که در ترویج مصالح بین‌المللی امرالمی دارند کاری کنند مردم چنین سوءتفاهمی یابند که آن رفتارها و محبت‌ها به نیت تبلیغ ایشان بوده است و از آن طریق فشاری بر آنان وارد ساخته‌اند که دینشان را تغییر دهند، اگر چنین گردد نقض غرض شود و متحرّیان حقیقت را به کلی دور نماید.

در این مقام رجا و تقاضای خویش را متوجه آن دسته از یاران امریکا می‌نمایم که با وجود آنکه تحت فشار امور متعدد و فوری و روزافزون‌اند که با شغل و حرفه‌ای که دارند: تاجراند، معلم مدرسه‌اند، وکیل حقوق‌داند، طبیب‌اند، نویسنده یا عضو اداره‌اند برایشان امکان دارد که برخیزند و محل سکونت خویش را در کشورهای قرار دارند که در آن امکان معقولی در تأمین معاش و تدارک حوائجشان موجود باشد. اگر چنین کنند کمک و مساعدت فراوانی به مخارج روزافزون صندوق تبلیغ نموده‌اند زیرا از حساب آن صندوق است. که باید در جائی که به نحوی دیگر میسر نباشد هزینه سفر و مخارج خادمان میدان تبلیغ را تأمین نمود. و اگر اجرای پرافتخار چنان خدمتی برای آن نفوس ممکن نگردد چه نیکو است این بیان حضرت بهاء‌الله را بیاد آورده، هر کس به اندازه وسعش و یکی را معین نماید که بالنیابه به امر عظیم و مبارک تبلیغ قائم گردد، می‌فرمایند: «جمع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الا له ان یاخذ ویکلاً منفسه فی اظهار هذا الامر الذی به تزعر کل بنیان مرصوص و اندکت الجبال و انصعقت النفوس».

اما نفوسی که برای خدمت در آن اقلیم به ترک کشور و خانمان خویش موقتاً یا دائماً موفق گشته‌اند، باید همواره وظیفه اولیه خویش بشمارند که از طرفی با لجنه ملی تبلیغ که به ترویج خدمتی که بر آن قائمند موظف است مرتبط و در تماس باشند و از طرف دیگر با کمال اتحاد به هر وسیله ممکن متشبث گردند که با افراد بهائی دیگر در کشور محل سکونت خود در هر میدان و در هر مقام و تجربه و هر استعداد و موقعیتی همکاری نمایند و با انجام وظیفه اول تشویق و هدایت لازم را کسب نمایند و از این راه بر ایفای وظائفشان بهتر موفق گردند. و نیز با ارسال گزارش‌ها به لجنه مذکور اخبار پیشرفت امرالله و شرح خدماتشان را به جمهور مؤمنین و مؤمنات برسانند.

اما ایفای وظیفه دیگر سبب تسهیل جریان امور و باعث ترقی و پیشرفت شود. از بروز وقایع نامطلوب که باعث وقفه تقدّم و پیشرفت خدمات مشترکشان گردد جلوگیری نماید و حفظ ارتباط و همکاری نزدیک را بین لجنه تبلیغ قاره امریکا و مهاجران جانفشان به وجود آورد زیرا آن دو عامل یکی وظیفه‌اش تنظیم و تمثیت امور آن نقشه عظیم تبلیغ است و دیگری مسئول اجرایش در جمیع جهات و نیز حفظ ارتباط بین خود مهاجرین، غیر از فوائد و نتایج فوریش سرمشق و نمونه گرانبهای را برای نسل‌های آینده

باقی می‌گذارد و آنان را وامیدارد تا به خدمات خویش با وجود معضلات پیچیده‌اش ادامه دهند و بر اثر اقدام مهاجران این زمان مثنی نمایند.

در این ایام که مقررات دولتی مانع از این است که عده زیادی از مهاجرین بهائی بتوانند در آن کشورها مستقر گردند و جهت تأمین معاش اجازه کار و شغلی داشته باشند ملاحظه فرمائید چقدر ارزش و اهمیت دارد که تعدادی از احباء که درآمدی ثابت ولو مختصر داشته باشند قیام نمایند و در آن ممالک بالاستقلال استقرار جویند. و چنین خدمتی البته مستلزم فداکاری و شجاعت و ایمان و استقامتی عظیم است که قدرش را تخمین نتوان زد و اجر جزیش را احصاء نتوان کرد به شهادت قلم اعلی «ان الدین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الامر یوید هم الروح الامین ... عمل را من الاعمال الا ماشاء ربک المقتدر القدر انه سید الاعمال و طرازها» چنین اجر و ثوابی را نمی‌توان فقط موهبتی معنوی شمرد که در عالم بالا نصیب احباء گردد بلکه در این جهان نیز برکات و فواید چنان شجاعت و ایمان و استقامتی عاید قیام کنندگان بر چنان خدماتی خواهد شد چنانکه توفیقات روحانی و اداری که در نقاط بعیده استرالیا و اخیراً در بلغارستان نصیب مهاجرین امریکائی و کانادائی شده شاهد صادقی است بر اینکه چنان قیام تهورانگیزی چه اجر و ثمر و نتیجه‌ای حتی در این عالم شامل حال گرداند.

حضرت بهاءالله در بیان مبارکی چنان نفوس عزیز را چنین ستایش می‌فرماید « و نفسه الحق سوف یزین الله دیباج کتاب الوجود به ذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبیلہ و سافروا فی البلاد با سمه و ذکره و یفتخر کل من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد»

چه نیکو است در این مقام به ذکر و ستایش اماء الرحمن یعنی زنان بهائی پردازم که بیش از مردان از بدایت استقرار امرالله در غرب فریداً و وحیداً در فتح ممالک مختلفه و پراکنده در بسیط زمین سهم داشته‌اند و این ستایش فقط نه از این جهت است که خدماتشان قهرمانان صدر امرالله را که در پیدایش امرالهی مجاهدت فرموده‌اند به خاطر می‌آورد بلکه برای آن است که تاکید شود که سهم زنان در فتح کشورهای جهان از همه بیشتر بوده است. به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «از جمله معجزاتی که مخصوص این دور مقدس است آنکه که زنان چون در ظل امرالله درآیند از مردان شجاعتی بیشتر نمایان سازند. (ترجمه)» چنین شهادت عظیم و مبارکی که از قلم میثاق صادر گشته مخصوصاً در حق احباء غرب صادق است و هر چند در عمل شواهد بسیاری آن را به اثبات رسانده است ولی احباء امریکا که حال وارد درخشان‌ترین مرحله خدمات تبلیغی خویش در طی نقشه هفت ساله شده‌اند باید آن را تقویت نمایند کلمه «شجاعت» در بیان حضرت عبدالبهاء که با آن خدمات گذشته زنان بهائی را توصیف فرموده‌اند هرگز نباید مخصوصاً در این ایام که در آستانه خدمات عظیم‌تر و لایق‌تری ایستاده‌ایم

از جلوه و بروزش کاسته شود بلکه باید به مرور ایام و در سراسر نقاط وسیع و بکر امریکای لاتین مصداقی بیشتر یابد و امر عزیز الهی را به نصرت و ظفری فائز نماید که هیجان انگیزتر و بزرگتر از فتوحات گذشته باشد.

همچنین لازم می‌دانم در این مقام کلامی چند خطاب به جوانان بهائی بنگارم زیرا ملاحظه می‌کنم که نهضت عظیم کنونی برای آن عزیزان که با روحی مشتاق و با مجاهدت بر خدمت امر حضرت بهاءالله کمر همت بسته‌اند چه فرصت‌ها و امکانات وسیعی را فراهم می‌آورد.

جوانان هر چند بی‌تجربه‌اند و منابع و ذخائرشان قلیل ولی روح پرشورشان و طاقت و هوشیاری و خوشبینی و اعتمادشان که تا بحال از خود بروز داده‌اند آنان را لایق و مستعد می‌سازد تا نقش مؤثری در برانگیختن علاقه جوانان دیگر در کشورها و دمیدن روح ایمان در آنان ایفاء نمایند. و در نظر مردم هر دو قاره هیچ شاهد و برهانی برای اثبات روح فعال و قوه محرکه ساریه در حیات و مؤسسات امر نوزاد بهائی اعظم از این نیست که ملاحظه نمایند جوانان بهائی از هر نژاد و ملت و طبقه، با هوشیاری و استقامت در میدان‌های تبلیغ و اداری، هر دو، شرکت مؤثری داشته و دارند. شرکت داشتن جوانان در آن فعالیت‌ها است که می‌تواند عیب جویان و دشمنان امرالله را که به درجات مختلف با شک و تردید و بغض و عناد مواظب و ناظر به سیر تکاملی امرالله و مؤسسات بهائی هستند قانع و خاضع نماید و کاملاً اثبات نماید که امر الهی زنده و پویانده است و سرنوشتش از خطرات آینده محفوظ امید بل دعا و رجایم چنان است که شرکت جوانان در نقشه هفت ساله هم بر جلال و قوت و حرمت امرالله بیفزاید و هم در حیات روحانی اعضاء جوان جامعه بهائی چنان تأثیر نماید و قوای مکنونه شان را چنان تحرّکی بخشد تا قادر گردند استعدادات نهفته‌شان را به حد اعلی ظاهر و نمایان سازند و به مرتبه بالاتری از تکامل روحانی خویش در ظل امر حضرت بهاءالله فائز گردند.

چون به منشور تبلیغ که از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء صادرگشته نظر نمایم خود را مکلف می‌بینم که آن یاران را متوجه اهمیت جمهوری پاناما کنم که رفع حوائج فوریش به کف کفایت آن عزیزان نهاده شده است. کشور پاناما بواسطه قرب جوارش با قلب و مرکز امرالله در امریکای شمالی و موقعیت جغرافیائیش که دو قاره امریکای شمالی و جنوبی را بهم متصل می‌سازد اهمیت مخصوص دارد. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح منشور تبلیغ مربوط به کشورهای امریکای لاتین می‌فرماید «جمیع این ممالک اهمیت دارد علی‌الخصوص جمهوری پاناما که در آن مرکز محیط آتلانتیک و محیط پاسفیک بهم ملحق می‌شوند و مرکز عبور و مرور از امریکا به سایر قطعات عالم است و در آینده اهمیت کبری خواهد یافت» و در مقام دیگر می‌فرماید «همچنین جمهوری پاناما زیرا در آن نقطه خاور و

باختر یا یکدیگر اتصال یافته و در میان دو محیط اعظم واقع این مقام و موقع در مستقبل بسیار مهم هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را به یکدیگر ارتباط دهد.»

چنین مقام موقع ممتازی که آن کشور دارا است البته مستلزم توجه مخصوص جامعه بهائی امریکا است حال که جمهوری مکزیک مفتوح و در پایتختش محفل روحانی تشکیل گشته است نفوذ امر الهی در همسایه جنوبیش قدمی طبیعی و منطقی است و امیدوارم مشکل نباشد لهذا هر کوشش و هر فداکاری را هر چند عظیم باشد باید تحمل نمود که لااقل یک جمعیت کوچک بهائی در آن جمهوری تشکیل شود زیرا کشور پاناما چه از لحاظ روحانی و چه جغرافیائی و اداری مقام خاص و حساسی است. اگر آن جمعیت تشکیل گردد طبق کلام مقتدر حضرت عبدالبهاء مغناطیس تائیدات ملکوت ابهی گردد و چنان سریع پیشرفت نماید که کسانی را که خود قوای غالبه امر حضرت بهاءالله را مشاهده و تجربه کرده‌اند به تعجب و تحیر وادار سازد. پس مهاجران آینده و لجنه تبلیغ قاره امریکا باید به رفع حوائج جمهوری ممتاز مذکور اولویت بخشند و در عین حال باید کوشش نمایند که امر الهی را ولو به صورت مقدماتی بر جمهوری‌های گوآتمالا و هندوراس و السالوادور و نیکاراگوا و کستاریکا ادامه دهند تا سلسه ناگسستی بین آنها و ام‌المخافل‌شان در قاره امریکای شمالی به وجود آید و در این راه موانع هر چند بزرگ باشد باید از پیش راه برداشته شود و منابع مادی صندوق بهائی کریمانه صرف آن مشروع گردد و مجهودات لایقه ثمینه در بیدار کردن و هدایتشان مبذول شود به عبارت دیگر بنای پایگاه دیگری برای امر الهی در آن کشور به منزله نقطه عطفی در تاریخ عصر تکوین امر حضرت بهاءالله در جهان جدید است که برای کسانی که به این خدمت مهم فائز شده‌اند امکانات بیشماری را به وجود می‌آورد و مساعی و مجهوداتشان را متحد و منجسم می‌سازد و نیز سرور و شجاعت شدیدی در افراد نقاط و جمعیت‌های پراکنده بهائی در جمهوریات همسایه خلق می‌کند و در حیات و ترقیات آینده مردمانشان قوی غیبی و شدیدی احداث می‌نماید.

دوستان عزیز و محبوب

اینست دورنمائی که در مقابل دیگران بهائیان امریکا است و اینست آنچه در این سال‌های اخیر قرن اول دور بهائی آنان را به مبارزه می‌طلبد. اینست کیفیت و سجایائی که در راه اجراء صحیح وظائف و مسئولیت‌ها از آنان خواسته شده است اینست نیازها و امکانات و اهداف نقشه هفت ساله که وصول به آن مستلزم بذل جمیع قدرت و نیروی شما است.

کسی چه می‌داند شاید سال‌های زودگذر باقیه آستان وقایعی باشد که از حیث عظمت در تصور کسی نیاید و مصائبی را به بار آورد که هرگز بشر با آن روبرو نبوده است و جنگ‌هایی پدید آید که از حیث خرابی و دمار نظیرش دیده نشده ولی خطرات متقابله هرچند مهیب باشد هرگز انوار امر نوظهورشان را تیره نتواند و آشوب و اغتشاش هر چند باعث سرگردانی باشد هرگز دیده بصیرتشان را مخمود نسازد و مصائب و بلاها هرچند دامنگیر، در عزم راسخشان خلل وارد نیاورد و ملامت و عتاب هرچند بلند و شدید در وفاداریشان خدشه‌ای نگذارد و انقلابات هرچند سهمگین و مصیبت بار آنان را از صراط مستقیمشان منحرف نسازد. هر چه بر سر جهان یا کشورشان بیاید و هر بحران شدیدی در آینده متوجهشان گردد باز این نقشه هفت ساله که شکوفه‌های امید و

آرزوی حضرت عبدالبهاء را در آغوش دارد البته باید بشکفد و به مرحله اجراء درآید.

مصائب و محن عظیمه‌ای که یاران امریکا را احاطه نماید هر قدر دردناک باشد هرگز در عزم راسخشان خللی وارد نسازد و آنان از وظیفه خویش غافل نگردند و هرگز فراموش ننمایند که تقارن چنان بحران‌های مخربی که ارکان عالم را مرتعش و متزلزل ساخته با پیشرفت منظم و به ثمر رسیدن وظیفه معین و مقرر اهل بهاء چیزی جز مشیت الهی نیست که به حکمت بالغه و اراده مطلقه بسیطه‌اش به نحوی مرموز مقدرات امراعظم و نیز سرنوشت بشر را در قبضه اختیار خویش دارد و تقارن این دو جریان یعنی از طرفی ارتفاع و از طرف دیگر سقوط یکی ترکیب و دیگری تحلیل یکی نظم و دیگری هرج و مرج که پیوسته با هم فعل و انفعال دارند کل جنبه‌هایی از یک نقشه عظیم است که سرچشمه‌اش حضرت کبریاست و طراحش جمال ابهی و میدان‌ش بسیط غبراء هدفش وحدت جهان است و تأسیس صلح عمومی در عالم انسان.

تعمق و تامل در این حقایق البته عزم راسخ جمیع جامعه بهائی را آهنین می‌سازد و هر نوع هراسی را از دلشان می‌زداید و آنان را بر تحقق جمیع اهداف منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء دون استثناء برمی‌انگیزد.

نقشه هفت ساله چنانکه مذکور شد نخستین مرحله و اولین قدمگاه برای تحقق آن منشور ملکوتی است قوه نباضی را که قلم حضرت عبدالبهاء خلق فرمود و حال به قوه محرکه‌ای تبدیل گشته که با شدتی روزافزون دستگاه نقشه هفت ساله را به پیش سوق می‌دهد باید در سال‌های اولیه قرن ثانی امر بهائی تشدید و تقویت شود و بهائیان جامعه امریکا را برانگیزد تا در مراحل آتیه اجراء منشور ملکوتی امرالهی قیامی جدید نمایند و آئین حضرت بهاءالله را از سواحل امریکای شمالی فراتر برده در سرزمین‌ها و بین

مردم آن نقاط منتشر سازند و از این طریق والاترین و درخشان ترین خدمات قهرمانانه خود را ایفاء نمایند.

آن کس که درباره مسیری که جامعه پر افتخار بهائی باید به حکم تقدیر الهی از آن بپیماید شك و تردید نماید نیکو است که به این کلمات مبارکه حضرت عبدالبهاء خطاب به جمیع بهائیان امریکا و کانادا که تا ابد در گنجینه منشور ملکوتیش محفوظ است توجه نماید:

حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هریک مانند ستاره‌های دری درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل آمریکا شدید همچنین «موفقیت شما حال معلوم نه امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد لهذا عبدالبهاء را آرزو چنان است که مثل خطه آمریکا در سائر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی وصیت امرالله را به شرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات نهمه عالم بشارت به ظهور ملکوت رب الجنود دهید» و در مقام دیگر به کمال تجلیل می‌فرماید «این نداء الهی چون از خط آمریکا به اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای آمریکا بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند وصیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد».

هیچ کس نیست که چنان کلمات مشحون از بشارتی فراتر از نقشه هفت ساله را بخواند و بگوید جامعه‌ای که به موجب آن کلمات مبارکه مقامش به عنان آسمان رسیده و به مواهب عظیمه فائز گشته به فتوحاتی که در آینده نزدیک نصیبش خواهد شد قانع خواهد شد. زیرا اکتفا به آن فتوحات به منزله خیانت در امانت گرانبهائی است که حضرت عبدالبهاء به آن جامعه سپرده است خلاصه آنکه سلسله فتوحاتی که آن جامعه را به پیروزی و نصرت نهائی می‌رساند در وقتی است که امر الهی «زلزله در آفاق اندازد» که اگر آن سلسله از هم بگسلد امید و آمال حضرت عبدالبهاء برآورده نخواهد شد و هر تردید و توقفی در «ارتفاع نداء الهی از خطه آمریکا به اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا و جزائر پاسیفیک» که بشارتش از قلم مبارک در قاره آمریکا نازل گشته آن جامعه را از موهبت کبری یعنی «جلوس بر سریر سلطنت ابدیه» محروم خواهد کرد. و اگر از افتخار اعلان ظهور «رب الجنود» در «قطعات نهمه عالم» محروم گردند «آوازه بزرگواریشان» در «بسیط غرباء» منتشر نخواهد شد.

یقین دارم که احبای آمریکا یعنی سفیران امر حضرت بهاءالله هرگز به چنان غفلت و تردید و توقفی تن در نخواهند داد و چنان امانت پر بهائی را هرگز از کف نخواهند نهاد و چنان امید و آرزویی را هرگز نافرجام نخواهند گذاشت و چنان افتخاری را هرگز از دست نخواهند داد و چنان مناقب و اوصافی را

که به آنان عنایت گشته باطل نخواهند کرد. بلکه برعکس نسل حاضر جامعه‌ای که به کرات مورد عنایت و برکت واقع گشته هر روز قوتی بیشتر خواهد یافت و در این زمان که قرن اول بهائی رو به انتها است به نسلهای آینده و اخلاف خویش در قرن دوم مشعل هدایت الهیه را با وجود تندبادهائی که بر آن خواهد وزید منتقل خواهند ساخت تا آنان نیز به نوبه خویش با همان نشاط و قوت و وفا و شور و شوق آن مشعل هدایت را به تاریکترین و بعیدترین نقاط عالم برند و همه جا را روشن و فروزان نمایند.

دوستان محبوب با اشتیاقی که دارم تا آن عزیزان را در ایفای وظائف دائمه متزایده مقدره‌شان مدد و مساعدت نمایم خوشتر از این چیزی نمی‌دانم که در این موقع حساس توجه مخصوص آن عزیزان را به منتخباتی از آثار بی‌شمار حضرت بهاءالله که تا به حال ترجمه و طبع نگشته معطوف دارم زیرا این بیانات سرمدی الاثار مستقیماً به خدمات و مجهودات کنونی و آینده جامعه بهائی ارتباط می‌یابد آن کلمات مقدسه محتوی است بر اعلان و اظهار مقام احبائش و تجمید عظمت دین مبینش و تاکید بر اهمیت تعالیمش و نیز مشتمل است بر خطراتی که پیش‌بینی فرموده و بر اوضاعی که ابلاغ و بر اندازاتی که اخطار و بر دور نمائی که اظهار و بر نویدها و اطمینانی که اعطا فرموده است البته در دل و جان هر یک از افراد جامعه که با نهایت خضوع و توجه و انقطاع آنها را زیارت نماید اثری چنان می‌گذارد که سراسر وجودش را روشن و خدمات روزانه‌اش را مضاعف می‌سازد. و آن بیانات مبارک که چنین است:

«ای دوستان! قدر و مقام خود را بدانید... شمائید انجم سماء عرفان و نسائم سحرگاهان شمائید میاه جاریه که حیات کلّ معلق بآن است و شمائید احرف کتاب» «یا اهل البهائ انتم نسائم الربیع فی الآفاق بکم زینا الأمکان بطراز عرفان الرحمن و بکم ابتم ثغر العالم و اشرفت الأنوار تمسکوا بجبل الأستقامة علی شأن تعدم منها الأوهام. ان اخرجوا من افق الأقتدار باسم ربکم المختار و بشرّوا العباد بالحکمة و البیان بهذا الأمر الذی لاح من افق الأمکان ایّاکم ان یمنعکم شیء عمّا أمرتم به من القلم الأعلى اذ تحرک علی اللوح بسطان العظمة و الاقتدار طوبی لمن سمع صریره اذ ارتفع بالحقّ بین الأرضین و السموات... یا اهل البهائ قد جرى کوثر الحیوان لأنفسکم ان اشربوا منه باسمی رغماً للذین کفروا بالله مالک الأدیان» «قد جعلناکم ایادی الأمر ان انصروا المظلوم إنه ابتلی بین یدی الفجار انه ینصر من نصره و یدکر من ذکره یشهد بذلك هذا اللوح الذی لاح من افق عنایة ربکم العزیز الجبار» «طوبی لأهل البهائ حقّ شاهد و گواه که این جمع قرهء عین خلقت اند و نور دیدهء ابداع و فطرت بوجود آنان عوالم الهی زینت یافته و لوح محفوظ سبحانی بطراز بدیع مطرز گردیده است. آنانند نفوسی که بر سفینه استقلال را کب اند و ابصارشان بمطلع جمال متوجه. حبذا لهم که بآنچه خداوند علیم و حکیم برای آنان اراده فرموده موفق گشته‌اند. بروشنی ایشان آسمانها مزین و وجوه مقربین الی الله درخشنده و تابان گردیده است (ترجمه)» «قسم بجزن جمال

ذوالجلال که از برای مقبل مقامی مقدر شده که اگر اقل من سم ابره از آن مقام بر اهل ارض ظاهر شود جمیع از شوق هلاک شوند این است که در حیات ظاهره مقامات مؤمنین از خود مؤمنین مستور شده» «لو كشف الغطاء لينصعق من في الأمكان من مقامات الذين توجهوا الى الله و انقطعوا في حبه عن العالمين» «براستی می گویم احدی از اصل این امر آگاه نه» «در این یوم باید کلّ باعین الهی ببینند و با اذن رحمانی بشنوند. من ينظرني بعين غيري لن يعرفني ابدأ مظاهر قبل هيچیک بر کیفیت این ظهور بتمامه آگاه نه الا على قدر معلوم» «تالله الحق ان الامر عظيم عظيم هذه كلمة كثرناها في اكثر الألواح لعل يتنبه بها العباد يشهد بذلك لساني العزيز المبين» «امر عظيم است و نبأ عظيم» «در این ظهور ابداع اقوم ظهورات ماضیه کلّ بمقصد اعلی و غایت قصوای خویش فائز گشته اند (ترجمه)» «قد انتهت الظهورات الى هذا الظهور الأعظم» «آنچه در این ظهور اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد» «مقصود از آفرینش ظهور این یوم اقلّ من اقدس که در کتب و صحف و زبر الهی بیوم الله معروفست بوده و جمیع انبیا و اصفیا و اولیا طالب لقای این یوم بوده اند» «آنچه از لسان و قلم ملل اولی از قبل ظاهر فی الحقیقه سلطان آن در این ظهور اعظم از سماء مشیت مالک قدم نازل» «این رحمت مخصوص این ایام است و این کرم لایق این اوقات» «امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سحاب جود مرتفع» «لعمری ان الامر عظيم عظيم و اليوم عظيم عظيم» «بشر کلّ نبی بهذا اليوم و ناح کلّ رسول حبا لهذا الظهور» «ظهوری که چون از آسمان اراده رحمان اشراق نمود السن کائنات باین بیان منادی گشت الملك لله العلي العظيم (ترجمه)» «یوم موعود فرا رسید و آنکه ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده باعلی النداء من فی الارض و السماء را باین خطاب اعلی مخاطب می سازد لا اله الا هو المهيمن القيوم (ترجمه)» «تالله قد ظهر ما كان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله عالم الغیب و الشهود» «طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که بوجه الله ربّ ما كان و ما يكون توجه کرد (ترجمه)» «امروز عظیم است چه که در جمیع کتب بیوم الله معروف جمیع انبیا و اصفیا طالب لقای این یوم بدیع بوده اند و همچنین احزاب مختلفه ارض» «امروز بانی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کلّ عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده می شود یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده می شود چه که این یوم یومی است که در جمیع کتب حقّ جلّ جلاله انبیا و اصفیای خود را بآن بشارت فرموده» «این است امری که اگر یک قطره در سبیلش گم شود صد هزار بحر مکافات آنرا مشاهده نماید یعنی مالک شود» «یک آن این یوم عند الله افضل است از قرون و اعصار... آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده» «هذا يوم في قول اللاهوت طوبى لك يا ناسوت بما جعلت موطىء قدم الله و مقرر عرشه العظيم» «امروز عالم بانوار ظهور منور و جمیع اشیاء بذکر و ثناء و فرح و سرور

مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیاد این یوم مبارک عیش اعظم برپا طوبی از برای نفسیکه فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت» «امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر به ثوابت و سیارات مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر» «هذا یوم لا تعادله القرون اعرفوا و لا تکنونوا من الغافلین» «هذا یوم فیہ فازت الآذان باصغاء ما سمع الکلیم فی الطور و الحیب فی المعراج و الروح اذ صعد الی الله المهیمن القیوم» «یوم یوم الله است و امر امر او طوبی از برای نفسیکه از عالم گذشت و بمشرق وحی الهی پیوست» «هذا سلطان الایام قد اتی فیہ محبوب العالمین و هذا هو المقصود فی ازل الآزال» «امروز سید روزها و سلطان ایامهاست مبارک نفسی که از نفحات این ایام بحیوة باقیه فائز شد و باستقامت کبری بر امر مالک اسماء قیام نمود اوست بمنزله بصر لهیکل البشر» «این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است از برای ظلمت ایام» «این یوم غیر ایام است و این امر غیر امور» «از ساحت الهی مسألت نمائید که اعین ناس را از مشاهده آیاتش محروم نسازد و آذان را از استماع صریر قلم اعلی منع نماید (ترجمه)». «ایام ایام الله است بیک آن قرون و اعصار معادله نمی نماید. ذره این یوم بمثابه خورشید مشاهده می گردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی یک نفس فی حب الله و نخدمته برآرد او از سید اعمال از قلم اعلی مسطور» «اگر فضائل این یوم ذکر شود کل منصعق مشاهده شوند الا من شاء ربک» «تالله الحق تلك ایام فیها امتحن الله کل النبیین و المرسلین ثم الذین هم كانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خباء العزة» «اگر مقام این یوم ظاهر شود آنی از او را بصد هزار جان طالب و آمل شوند تا چه رسد بارض و زخارف آن» «خدای واحد شاهد و گواه امروز روزی است که هر صاحب بصری باید مشاهده نماید و هر صاحب سمعی باصغاء فائز گردد و هر قلب مدرکی بدرک حقیقت نایل آید و هر لسان ناطقی این نام اعتر اقدس اعلی را بمسامع من فی الأرض و السماء برساند (ترجمه)» «بگو ای مردمان امروز روزی است که شبه و مثل آن در عالم وجود موجود نه پس باید لسانی که بحمد و ثنای حضرت مقصود مألوف و کرداری که آرزومند قبول در ساحت اقدس اوست آن نیز خالی از مثل و نظیر باشد عالم انسانی همواره مشتاق طلوع این یوم عظیم بوده شاید بآنچه در خور شأن و لایق مقام آن است فائز گردد (ترجمه)» «از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی بامر امر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا» «یا قوم تالله الحق ان هذا لبحر الذی منه ظهرت البحور و الیه یدهب کلها و منه اشرفت الشمس و الیه یرجع کلها و منه اثمرت سدرات الأمر باثمار التي کل واحدة منها بعثت علی هیکل نبی و ارسل الی عالم من عوالم التي ما احصاها احد الا نفس الله التي احاطت الموجودات بحرف من کلمة التي خرج من قلمه الذی کان محکوماً تحت اصبعه الذی کان علی الحق قویاً» «تالله الحق الیوم اگر ذره از جوهر در صد هزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبعة ابجر مستور هر آینه دست

قدرت الهی او را ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از آن فصل نماید» «هر حرف که از فم مشیت صادر گردد دارای قوه خلاقه و احیا کننده است که می تواند خلق بدیعی مبعوث نماید خلقی که مقام و عظمت آن بر کلّ مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیاء واقف و آگاه است (ترجمه)» «و لو نرید ان نظهر من ذرّة شمساً لا لهنّ بداية ولا نهاية لنقدر ونظهر کلّهنّ بامری فی اقلّ من حین و لو نرید ان نبعث من قطرة بحور السموات و الارض و نفضّل من حرف علم ما کان و ما یکون لنقدر انّ هذا لسهل یسیر» و «عنده لاسم لو یلقیه علی السمّ لینقلب بالدریاق الأعظم» «ایام رو بانهاست و هنوز اهل ارض در گرداب غفلت مستغرق و در بیداء ضلالت سرگشته و حیرانند (ترجمه)» «و الأمر عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر فو نفسه الحقّ که تفصیل فرماید ما بین کلّ حتی بین طائفین حول» «تالله قد اتی الیوم الموعود یوم یغشیم العذاب من فوقهم و من تحت ارجلهم و تقول ذوقوا ما کنتم تعملون» «هنگام فناء عالم و اهل آن رسید آمد آن کسی که باقی بود تا حیات باقیه بخشد و باقی دارد و مایه زندگی عنایت فرماید». و نسبت بمدنیّت مادیه و تجاوز از شئون معتدله آن می فرماید «سوف تحترق المدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملک لله العزیز الحمید» «بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند» «ای اهل ارض برآستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده» «ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضل بر تمام ذرات ممکات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم» از

نفوسی که بزخارف فانیه ارض مشغول و از ذکر حقّ غافل گردیده اند محزون مباش قسم بحقیقت مقدّسه ازلیّه روزی نزدیک است که قهر خداوند متعال آنان را اخذ نماید و بسیط زمین را از لوث مفسد ایشان پاک و مبری سازد و این میراث را به بندگان مقربّ خویش عطا فرماید اوست مقتدر و قدیر و قهار (ترجمه)» «عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بی بی و لبیک لبیک مرتفع خواهد شد چه که مفرّی از برای احدی نبوده و نیست» «و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما ترتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل علی الأفنان». «در اول هر ظهور سختی و شدت و تنگی و عسرت از هر جهت صائل و هائل و لکن در نهایت این شدت برخاء و این عسرت بعزت بی منتهی مبدل گردیده است (ترجمه)» «قل یا حزب الله ایاکم ان تخوفکم قدرة العالم او تضعفکم قوه الأمم او تمنعکم ضوضاء اهل الجدال او تحزنکم مظاهر الجلال کونوا کالجبال فی امر ربکم المقتدر العزیز المختار» «بگو ای اهل بهاء مبادا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحقّ توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت آنه هو

المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدرة و الاقتدار (ترجمه)» «لعمری ما قدر من قلم التقدير لاجبائه
 الا ما هو خیر لهم بر این گفتار خداوند مقتدر عزیز و محبوب شاهد و گواه (ترجمه)» «همچنین می فرماید،
 «حوادث عالم کون شما را متأثر نسازد تالله الحق دریای سرور مشتاق لقای شماست زیرا هر امر خیری
 برای شما خلق شده و بمقتضای زمان بر شما ظاهر و هویدا خواهد گردید (ترجمه)» «ای عباد اگر در این
 ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضاء واقع شود دلتنگ مشوید که
 ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی
 مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته بجمیع آنها رسیده فائز گردید» «امروز روز بیان است باید
 اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس
 ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح بدیع مستور طوبی از
 برای نفسی که باو فائز شد و به تبلیغ امر مالک قدم قیام نمود» «بگو ای عباد غلبه و نصرت این امر
 موقوف بظهور هیاکل قدسیه و سطوع افعال جیده منیره و اشراق کلمات حکمتیه بوده و خواهد بود
 (ترجمه)» «جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است
 بآن قیام نماید و الا له ان یأخذ و یکلاً لنفسه فی اظهار هذا الأمر الذی به تزعزع کل بنیان مرصوص و
 اندکت الجبال و انصعقت النفوس» «همتان این باشد که نفسی را از غرقاب فنا بشریعه بقا هدایت
 نمائید و در میانه عباد بقسمی رفتار کنید که آثار حق از شما ظاهر شود چه که شمائید اول وجود و
 اول عابدین و اول ساجدین و اول طائفین» «ان یا احبباء الله لا تستقروا علی فراش الراحة و اذا عرفتم
 بارئکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النصر ثم انطقوا و لا تصمتوا اقل من آن و ان هذا خیر لکم من
 کنوز ما کان و ما یکون لو انتم من العارفين» «و نفسه الحق سوف یزین الله دیاج کتاب الوجود بذکر
 احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کل من فاز بلقائهم بین العباد
 و یستنیر بذکرهم من فی البلاد» «در خدمت حق و امر او بر یکدیگر سبقت گیرید این است آنچه که شما
 را در این جهان و جهان دیگر بکار آید خداوند پروردگار کریم بر هر امری واقف و آگاه است از آنچه
 در این یوم بر شما وارد گردد محزون مباشید روزی خواهد رسید که السنه امم بدین ذکر اتم انخم ناطق
 الملك لله المقتدر الفرد الواحد العليم (ترجمه)» «طوبی لمحلی و لیبیت و لمقام و لمدينة و لقلب و لجبل و
 لکهف و لغار و لاودیة و لبر و لبحر و لجزیره و لدرکة ارتفع فیها ذکر الله و ثنائه» «نفس حرکت لوجه
 الله در عالم مؤثر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجه مخلصین باطراف لاجل هدایت عباد مذکور
 و مسطور» و نیز می فرماید، «تالله الحق آنچه از برای اصحاب ثبوت و استقامت مقدر گشته بدرجه ای
 عظیم است که اگر بقدر سم ابره ای از آن بر اهل ارض و سماء تجلی نماید کل منصعق شوند الا من شاء
 الله رب العالمین (ترجمه)» و همچنین «لعمر الله از برای ناصر مقدر شده آنچه که خزائن ارض بآن

معادله ننماید» «من یفتح الیوم شفّتیہ فی ذکر اسم ربّہ لینزل علیہ جنود الوحی عن سماء اسمی الحکیم العلیم وینزلنّ علیہ اهل ملاً الأعلی بصحائف من النور کذلک قدر فی جبروت الأمر من لدن عزیز قدیر» «فو الذی ینطق حیثنذ فی کلّ شیء بانّہ لا اله الا هو کہ اگر نفسی در ردّ من ردّ علی الله کلمه مرقوم دارد مقامی باو عنایت شود کہ جمیع اهل ملاً اعلی حسرت آن مقام برند و جمیع اقلام ممکات از ذکر آن مقام عاجز و السن کائنات از وصفش قاصر» «انشاء الله کلّ موفق شونند بما اراده الله و مؤید گردند بر عرفان مقامات اولیای او کہ بخدمت قائم و به ثناء ناطقند علیهم بهاء الله و بهاء من فی السموات و الأرض و بهاء من فی الفردوس الأعلی و الجنّة العلیا» «ای اهل بهاء بعنایت الهی احدی با شما مقابله نتوانست نمود خمر بقاء از کأس عطا نوشید رغماً للذین کفروا بالله مولی الأسماء و فاطر السماء (ترجمه)» «قسم بخداوند متعال این یوم یوم نفوسی است کہ از ما سوی الله منقطع و بوحدانیت الهیه مقرر و معترف گشته‌اند یومی کہ خداوند کریم بیادی قدرت حقایق رحمانیه و جواهر مجردہ را خلق فرمود هیاکل قدسیه‌ای کہ از دنیا و ما فیها در گذشته و بچنان ثبات و استقامتی در امر الله ظاهر خواهند گردید کہ هر قلب روشن و مدرکی را غرق دریای حیرت و شگفتی نماید (ترجمه)» «و الله خلف سراق القدس عباداً یظہرنّ فی الأرض و ینصرنّ هذا الأمر و لن یخافنّ من احدٍ و لو یحاربنّ معهم کلّ الخلائق اجمعین اولئک یقومنّ بین السموات و الأرض و یدکرنّ الله باعلی ندائهم و یدعون الناس الی صراط الله العزیز الحمید» «سوف یبعث بارادته خلقاً ما اطّلع بهم احدٌ الا نفسه المهیمن القیوم» «سوف ینخرج الله من الکام القدرة ایدی القوّة و الغلبة و ینصرنّ الغلام و یظہرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقتدر القیوم و یدخلنّ خلال الدیّار و یأخذ رعیهم کلّ العباد هذا من بطش الله انّ بطشه شدید».

در خاتمه این اوراق متذکر می‌گردم کہ از جمله بیانات مبینی کہ حضرت عبدالبهاء طی سفر تاریخی خویش اعلان فرمودند اینست: «امید است ملت امریک اولین ملت و جمعیتی باشد کہ اساس اتّفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتّحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید علم صلح اعظم برافزاد و رایت محبت و وداد در قطب امکان مرتفع سازد (ترجمه)» «همچنین «فی الحقیقه ملت امریک را چنان لیاقت و شایستگی موجود کہ خیمه صلح عمومی را بر پا نماید و وحدت عالم انسانی را اعلام کند و در این امر مبرم بر سایر امم پیشقدم گردد ... زیرا این کشور از لحاظ قدرت و قوت و عظمت و قابلیت بنحو شگفت انگیزی بر ملل و نحلّ اُخری تقدّم جسته ... این ملت بزرگ می‌تواند در اثر استعداد و قدرت حاصله بأمور عظیمه‌ای موفق گردد کہ صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنه امم در شرق و غرب عالم بذکر خیر و ثنای او مألوف شود مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان (ترجمه)» «در امریک

آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهة نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیّه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ربود (ترجمه)».

با نخستین جنبش جنین نظم جهانی حضرت بهاءالله قوای خلاقه‌ای در آمریکا که مهد و مدافع آن نظم است دمیده شد و قدر و منزلتی مخصوصی و استعدادی شدید به آن ملت بخشید و از لحاظ روحانی مجهزش ساخت تا نقش بزرگی را که در آن کلمات گهربار مذکور است بازی نماید. قوای که این نهضت ملکوتی را در مردم آن کشور سریان داده از یک طرف در مجهودات و توفیقات جامعه متشکل پیروان جمال ابی در سراسر امریکا، در میدانهای تبلیغ و نظم اداری ظاهر و مشهود است و از طرف دیگر همان قوا جدا ولی به موازات همان مجهودات و توفیقات باطناً در کار است تا حیات و اعمال دولت و مردم امریکا را تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی جهان شکل و صورت بخشد.

در اوراق گذشته راجع به مجهودات و توفیقات پیروان حضرت بهاءالله که با ایقان و ایمان در مسیر کنونی و آینده‌شان بر خدمت قائمند به حدّ کفایت اشارت رفت حال باید کلماتی چند درباره قاطبه مردم امریکا مرقوم و به درستی معلوم گردد که آن ملت به جگای می‌رود و امور مردمش در چه مسیری حرکت می‌کند. هر قدر ملت امریکا از سرچشمه آن قوای هادیّه محرّکه غافل و هر قدر جریانش بطئی و مشکل باشد باز هر روز بیشتر ظاهر و نمایان می‌شود که عامه آن ملت تحت اداره دولت یا غیردولت بر اثر نفوذ و تصرفات قوای مذکور که از شناسائیش محروم و از تسلط بر آن عاجز است مسیرش به جهتی و سیاستهایش بخوی است که بفرموده حضرت عبدالبهاء سرنوشتش را تعیین می‌کند لهذا جامعه بهائی امریکا که از سرچشمه آن قوا واقف و آگاهند و نیز دیگر هم وطنانشان که از آن بی‌خبرند و ید تقدیر الهی را که بسوی سرنوشتشان حرکت می‌دهد هنوز نشناخته‌اند هر یک به نحوی به تحقق آمال و وعودی که در بیانات فوق الذّکر از حضرت عبدالبهاء مذکور افتاد خدمت و معاضدت می‌نمایند.

جهان در حرکت است و وقایع ناگوارش با سرعتی حیرت انگیز در ظهور و بروز. تندباد عذابش بشدت وزان است و دنیای جدید (قاره امریکا) در بحبوحه لطماتش گرفتار. کانون طوفان‌زایش حال به سواحلش سایه افکنده و خطراتی ناگهانی و نامعلوم و فوق‌التصور از داخل و خارج به تهدیدش پرداخته است دولتها و مردمش بتدریج در بند بحرانی کنونی عالم و تضادهای گوناگون اسیر می‌گردند اقیانوس اتلانتیک و پاسفیک با کشفیات و ترقیات علمی چون تنگه‌های باریکی می‌شوند و جمهوری بزرگش (ممالک متحده امریکا) روز بروز بیشتر وارد معرکه‌های جهانی می‌گردد و غرّش‌های سهمگین و دور مردمانش را مضطرب و هراسان می‌سازد در باخترش در قاره اروپا و در خاورش در شرق اقصی کانونهای طوفانهای مهیبی ظاهر است و در افق جنوبیش مرکز طوفان‌زای پر خطر سهمگینی

در شرف تکوین. جهان حکم محله‌ای واحد یافته و امریکا خواه ناخواه باید با مقتضیات این وضع جدید مقابله نماید. یعنی اگر هم برای مقاصد نوع دوستانه نباشد امریکا ناچار است بخاطر امنیت ملی خویش مسئولیت جدیدش را در جهانی که همه همسایه یکدیگر شده‌اند تعهد و قبول و بموجب مقتضیاتش عمل نماید. هر چند بنظر غریب و عجیب آید یگانه امید نجات امریکا از مصائب و خطراتی که احاطه‌اش کرده در این است که خود را در همان شبکه روابط بین‌المللی بیندازد که اکنون تار و پودش به دست غیب پروردگار بافته می‌شود این بیان حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از صاحب‌منصبان دولت امریکا بسیار گویای مطلب است: «بهترین راهی که می‌توانی به کشور خدمت نمائی این است که جهان را یک وطن شماری و خود را اهل آن وطن بینی و اصول حکومت فدرالی را که در مملکت شما معمول است به جای روابط کنونی که میان مردم و ملل عالم است ترویج نمائی. (ترجمه)» یکی از روسای جمهور امریکا (پرزیدنت ویلسون) که بدبختانه قدرش را ندانستند افکار و اصولی را به عالم عرضه داشت که هر چند نسل معاصر متروکش داشتند و باطل انگاشتند اما حضرت عبدالبهاء آن اصول را که حال در غبار غفلت و نسیان پنهان گشته نشان طلوع فجر صلح اعظم توصیف و مردم غافل بی‌بصیرت را که اعتناء نمودند و بی‌رحمانه به کنارش انداختند ملامت فرمود.

هر صاحب بصری اذعان می‌کند که مخاطرات گوناگونی که جهان را فرا گرفته حال ملت امریکا را نیز تهدید می‌کند. عالم به اردوئی تبدیل گشته است و پنجاه میلیون از نفوس یا تحت سلاح و یا سرباز ذخیره‌اند. و بیش از پنجاه میلیون لیره در سال صرف تسلیحات می‌گردد. نور دین خاموش و حکومت اخلاق در جهان فراموش گشته، ملل جهان اکثراً در پنجه مرامهای متضاد و متخاصم گرفتارند و بیم آن می‌رود که پایه اتحاد سیاسی خود را که به آن زحمت بدست آورده‌اند متزلزل و ویران سازند مردم ناراضی و برآشفته ممالکی که سراپا مسلح‌اند دستخوش وحشت و هراس‌اند و دریوغ مصائب ناشی از مخاصمات سیاسی و تعصبات نژادی و کینه‌توزی ملی و اختلافات مذهبی رنج می‌برند. در این مقال حضرت بهاءالله می‌فرماید، «اریاح یاس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزايد. آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود.» حضرت عبدالبهاء حتی بیست سال پیش چنین پیش‌بینی فرموده است: «این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت‌تر شود و بدتر گردد. بالکان آرام نگیرد، از اول بدتر شود. دول مقهوره آرام نگیرند به هر وسیله تشبث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند حرکت‌های تازه عمومی تمام قوت مملکت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خیلی اهمیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد.» اما راجع به ملت امریکا رئیس جمهورش به صدای رسا تحذیر داده که با اختراع و پیش رفت طیارات و وسائل دیگر حمله به خاک امریکا امکان دارد. وزیر خارجه‌اش در کنفرانسی مرکب از نمایندگان تمام

جمهوریات امریکا چنین گفته است، «این نیروی‌های متهاجم که در سراسر جهان جمع آمده سایه تاریکش را بر سر نیکره ما گسترده است و در مقابل خبرنگاران چنین هشدار داده که باید آماده دفاع خویش از دشمنان داخل و خارج باشیم... مرزهای دفاعی ما بسیار طولانی است و از پوینت بارو Point Barrow در آلاسکا و کیپ هورن و از اقیانوس کبیر تا اقیانوس اطلس کشیده می‌شود هیچ کس نمی‌داند که متجاوزین اروپائی و آسیائی در چه زمان و چه مکان بر ما هجوم خواهند آورد... اما همه وقت و در همه جا امکان دارد... پس ما چاره‌ای جز این نداریم که خود را مسلح سازیم و در پاسبانی و حفاظت نیکره غربی روز بروز بکوشیم.»

مسافتی را که ملت امریکا از زمان ردّ اصول و افکار ویلسن تا به حال طی کرده و تغییرات غیرمنتظره‌ای که در سالهای اخیر پیش آمده و جهت حرکتی را که جهان برای خود اختیار نموده است با تأثیراتی که ناچار در وضع سیاسی و اقتصادی عالم دارد همه در پرتو بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در نزد بهائیان که به تحولات بین‌المللی ناظرند بسیار مهم و آموزنده و تشویق‌آمیز می‌نماید. اگر چه قطعاً نمی‌توان گفت که در این زمان پر آشوب و سالهای پر ماجرا ملت امریکا چه مسیری را اختیار خواهد کرد فقط با قضاوت در جهت امور جاریه‌اش می‌توان حدس زد که در روابطش با جمهوریات امریکا و کشورهای قارات دیگر چه طریقی را در پیش خواهد گرفت.

از یک طرف با کشورهای امریکای جنوبی روابطی نزدیکتر خواهد داشت و از طرف دیگر بر اثر بحرانهای مکرر بین‌المللی متزایداً در امور سراسر جهان به درجات مختلف مشارکت خواهد نمود و در آن حال که امریکا به سوی سرنوشتش در حرکت است البته به تعویق و تأخیر و وقفه دچار خواهد شد اما هرگز هیچ امری قادر نخواهد بود که مسیری را که قلم مصون از خطای حضرت عبدالبهاء برای امریکا معین فرموده تغییر دهد حال که اتحاد فدرالی آن کشور بدست آمده و مؤسّسات داخلی استحکام پذیرفته که خود نشانی از بلوغ سیاسی است باید به سیر تحوّل و تکامل دیگرش به عنوان عضوی از خانواده جهانی مبادرت ورزد و این امر در اوضاع و احوالی صورت خواهد گرفت که امروز کیفیتش بر ما معلوم نیست.

در نتیجه معضلات و مشکلات غامضه متعدده که تدریجاً عالم انسانی را فرا می‌گیرد ناچار آینده نزدیک ملت امریکا بسیار تاریک و طاقت‌فرسا است و بلیاتی که ارکان عالم را می‌لرزاند و در بیانات حضرت بهاءالله مذکور در صفحات قبل به وضوح تصویر گشته آن ملت را چنان احاطه و گرفتار نماید که شبهش را ندیده اما از میان آن بر عکس آنچه در جنگ بین‌المللی اول انجام داده، شاید امریکا این بار فرصت را از دست ندهد و جمیع قدرت و نفوذ خویش را به کار برد و در حلّ مشکلات ناشی از

مصائب و بلیات بکوشد تا با همکاری ملل دیگر در شرق و غرب عالم طلسم لعنتی را که از اول خلق جهان بر گردن بشر بوده و او را به جنگ و جدال و تَدَنی و انحطاط افکنده بکلی در هم شکنند.

در آن وقت است ملت آمریکا که در بوته جنگ‌های داخلی گداخته و در آتش شعله‌ورش تطهیر گشته رام شده و درسها آموخته است قادر خواهد شد که صدایش را به گوش مجالس علنی جهان برساند و صلح عمومی دائمی را پایه گذارد و وحدت و یگانگی و بلوغ نوع انسان را اعلان و در استقرار بنیان خیر و راستی در جهان معاضدت نماید.

در آن وقت است که ملت آمریکا در حالیکه بهائیان به اجراء رسالت خدادیشان مشغولند قادر خواهد شد که به سرنوشت پر جلالی که پروردگار توانا برایش مقدر ساخته و در الواح حضرت عبداله‌اء مصرح گشته فائز گردد در آن وقت است که ملت آمریکا «به آنچه سبب زینت تاریخ است واصل شود»، و «مغبوط و محسود خاور و باختر جهان گردد.»

شوقی

۲۵ دسامبر ۱۹۳۸

1. - اشاره به قراردادی است که محفل ملی برای اتمام مشرق‌الاذکار به امضاء رسانده است.
2. کشور آلمان
3. منظور مشرق‌الاذکار عشق آباد است
4. مشرق‌الاذکار ویلت نزدیک شیکاگو
5. آنچه نقل گردید اصل بیان مبارک حضرت ولی‌امرالله به فارسی است که در توفیق مبارک ۱۱۰ مرقوم فرموده‌اند که چون جز در بعضی از عبارات معنأ با انگلیسی مطابقت داشت عیناً نقل گردید جملات بین‌الهللین () در متن انگلیسی نیست.